

جنبه‌های گوناگون «مسئولیت» در حقوق بین‌الملل کیفری

علیرضا دلخوش*

چکیده

تحولات معاصر در حوزه حقوق بین‌الملل، نتیجه تولد مفاهیم جدیدی از مفهوم حاکمیت دولتها می‌باشد. در مفهوم کلاسیک حاکمیت دولتها، قدرتهای حاکم از مصونیت‌های خاصی برخوردار بوده که در پرتو این مصونیت‌ها، دولتها دارای اقتدار عام و خدشه‌ناپذیر بوده و هیچ مکانیزم خاصی برای کنترل رفتار حاکمیتها در ارتباط با اعمال آنها پیش‌بینی نشده بود. بر همین اساس نیز منشور سازمان ملل متحد نیز با تصریح بر اصالت حاکمیتها، مقررات این منشور را از دخالت در حوزه حاکمیتی دولتها بازداشته و مرز مشروعیت اقدامات سایر دولتها و سازمانهای بین‌المللی را تا حد رعایت کامل اصل «حاکمیت دولتها» و «برابری حاکمیتها» شناسائی نموده است.

تحولات پیش‌گفته در عرصه حقوق بین‌الملل بویژه پس از پایان جنگ جهانی دوم، موجب شد تا «حقوق فرد» منصرف از انتسابات ملیتی، نژادی و قومیتی، موضوعیت یافته و دولتها در رفتار با ملتهای خود، تابع اصول و مقررات خاصی باشند که در یک مفهوم کلی، از این مقررات با عنوان «مقررات حقوق بشر» یاد می‌شود. این مسئله به همراه طرح موضوعات جدی تخلفات دولتها در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری، سبب شد تا در این شاخه از حقوق بین‌الملل عام نیز تعهداتی خاص بر عهده دولتها قرار داده شود که این تعهدات، جدای از تعهدات اصلی حقوق بین‌الملل کیفری و اصل «مسئولیت کیفری فردی» می‌باشد.

اساسنامه‌های دادگاههای کیفری یوگسلاوی و رواندا و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی با تدوین تعهدات ویژه دولتها در حوزه «همکاری بین‌المللی»، حیطة حاکمیت دولتها را هم بوسیله «نفی مصونیت سیاسی» و هم با توسل به «تعهد به همکاری دولتها»، محدود نموده و در کنار مفاهیم جدید مقررات حقوق بشر از جمله «مسئولیت حمایت»، دایره بی‌مسئولیتی حاکمیتها در قبال رفتار با افراد را تنگ تر نموده است.

در نتیجه تحولات فوق‌الذکر، در حال حاضر مقررات حقوق بین‌الملل کیفری، با تفکیک بین «جرایم بین‌المللی» و

a71d2000@yahoo.com

*. نویسنده مسئول، دکترای حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی

«جنايات بين‌المللی»، دامنه مسئوليتهاي ناشی از دسته اخير تخلفات بين‌المللی دولتها را فراتر از «مسئوليت بين‌المللی دولتها» که عمدتاً بر اصل «جبران خسارت» متمرکز بوده و «مجازات‌های تنبيهی» در آنها موضوعیتی نداشت، ترسیم نموده است که نتیجه این تحول، ایجاد مسئوليتهاي متعدد (فردی و دولتی) در حقوق بين‌الملل کیفری شده است.

واژگان کلیدی: حقوق بين‌الملل کیفری، مسئوليت کیفری فردی، مسئوليت بين‌المللی دولت، دیوان کیفری بين‌المللی

مقدمه

در حقوق بين‌الملل کیفری همانند سایر شاخه‌های حقوق بين‌الملل، «تعهدات» و «مسئولیت‌های» خاصی وجود دارد. مقررات حقوق بين‌الملل کیفری، با منع ارتکاب برخی از جرائم شناسایی‌شده، افراد را بدون در نظر گرفتن مصونیت‌های شناخته شده در حقوق بين‌الملل کلاسیک، مسئول اعمال و رفتارهای خود می‌شناسد و به همین دلیل، اصل «مسئولیت کیفری فردی»، به‌عنوان شاخص‌ترین ویژگی حقوق بين‌الملل کیفری تلقی شده است. از سوی دیگر، دولتها به‌دلیل جایگاه ویژه «حاکمیت» در مقررات حقوق بين‌الملل، در صورت نقض تعهدات بين‌المللی خود، تعهدات و مسئولیت‌هایی خواهند داشت.

مسئولیت دولتها در قبال اقدامات خود، که از آن با عنوان «مسئولیت بين‌المللی» یاد می‌شود، شامل برخی سازوکارهای جبرانی است. به دلیل وجود اصل کلاسیک «مصونیت سیاسی» و همچنین مشکلات اجرایی و مقاومت‌های شدید حاکمیت‌ها، نویسندگان حقوق بين‌الملل، به‌رغم تلاش‌های بسیار، موفق به شناسایی مسئولیت کیفری دولتها نشده و گام‌های اولیه کمیسیون حقوق بين‌الملل نیز در این راستا، به‌دلیل همین مقاومت‌های شدید دولتها بی‌حاصل ماند. بدین ترتیب دولتها همچون گذشته در پس دیوار پولادین «مصونیت»، از مسئولیت کیفری معاف ماندند.

با توجه به این که در دهه‌های گذشته تغییرات متعددی در نظام تعهدات و مسئولیت‌ها به وجود آمده، برخی تعهدات در حقوق بين‌الملل کیفری، الزاماً بر عهده دولتها (و نه افراد) گذاشته شده است که در صورت عدم ایفای آنها ممکن است دولتها مسئول شناخته شوند.

تخلف از مقررات حقوق بين‌الملل کیفری براساس خصلت مقررات نقض شده، درجات متفاوتی دارد و مسئولیت ناقضان این تعهدات نیز به همین ترتیب گوناگون است.

در این مقاله، با هدف تبیین جنبه‌های مختلف مسئولیت کیفری در حقوق بين‌الملل کیفری، پس از بیان تفاوت‌های موجود بین انواع تخلفات بين‌المللی و مسئولیت‌ها در حقوق بين‌الملل کیفری، نشان داده خواهد شد که در نتیجه تحولات صورت پذیرفته در مقررات بنیادین حقوق بشری و حقوق بشردوستانه، دولتها یک سلسله مسئولیت‌هایی در حوزه حقوق بين‌الملل کیفری پیدا کرده‌اند که به‌طور قطع با مسئولیت‌های سنتی دولتها که از آن با عنوان «مسئولیت بين‌المللی دولتها» یاد می‌شود، متفاوت هستند. به همین دلیل می‌توان در کنار «مسئولیت کیفری افراد» از برخی «مسئولیت‌های کیفری برای دولتها» نیز سخن گفت.

مبحث اول) «جرم بین‌المللی» و «جنایت بین‌المللی» در حقوق بین‌الملل

هم‌زمان با جهانی شدن مفاهیم بنیادین حقوق بشر (شامل تعهدات و تکالیف جهانی دولت‌ها به رعایت مقررات ناظر بر کرامت نوع بشر)، مفهوم سنتی مسئولیت بین‌المللی نیز تغییر پیدا کرده و در دو دسته کلی مسئولیت ناشی از «جنایت بین‌المللی»^۱ و مسئولیت ناشی از «جرم بین‌المللی»^۲ تقسیم‌بندی شد. این تقسیم‌بندی در اسناد بین‌المللی متعددی مانند «پیش‌نویس مجموعه قوانین (کد) جرائم علیه صلح و امنیت بشری»^۳ و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تجلی پیدا کرد.^۴

در این مبحث، ابتدا مفهوم جرم و جنایت بین‌المللی و جایگاه آن دو در حقوق بین‌الملل و سپس مسئولیت‌های ناشی از هر یک از این تخلفات بررسی خواهد شد.

گفتار اول) «جرم بین‌المللی» و «جنایت بین‌المللی» در اسناد بین‌المللی

جنایت بین‌المللی به معنای نقض آن دسته از قواعد بین‌المللی است که موجب مسئولیت کیفری فردی برای فاعل آن می‌شود.^۵

تفکیک بین جرائم بین‌المللی و جنایات بین‌المللی و اختصاص جرائم بین‌المللی به دولت‌ها، با توجه به تقدم «تعهد» بر «مسئولیت»، گویای «مسئولیت کیفری دولت‌ها» است.

بند ۲ ماده ۱۹ پیش‌نویس طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۱۹۸۰) مقرر می‌داشت: «چنانچه تخلف بین‌المللی دولت ناشی از نقض تعهدی بین‌المللی باشد که رعایت آن برای صیانت از منافع اساسی جامعه بین‌المللی آن‌چنان ضروری است که نقض آن از سوی جامعه بین‌المللی به‌طور کلی جنایت شناخته می‌شود، تخلف مزبور «جنایت بین‌المللی» محسوب می‌شود».

طبق بند ۳ ماده ۱۹ این پیش‌نویس: «جنایت بین‌المللی می‌تواند ناشی از موارد زیر باشد: الف) نقض شدید تعهدی بین‌المللی که برای صلح و امنیت بین‌المللی اهمیت اساسی دارد، مانند تعهد به منع تجاوز؛

ب) نقض شدید تعهدی بین‌المللی که برای صیانت از حق تعیین سرنوشت ملت‌ها اهمیت اساسی دارد، مانند تعهد به منع استقرار یا حفظ سلطه استعماری به زور؛

ج) نقض شدید تعهدی بین‌المللی در مقیاسی گسترده که برای صیانت بشر اهمیت اساسی دارد، مانند

1. international crime

2. international delict

3. Draft Code of Offences against Peace and Security of Mankind (1954)

۴. هرمداس باوند، داوود، «حقوق بشر و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها»، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی بررسی مسائل حقوق بین‌الملل بشر، دانشگاه علامه طباطبایی با همکاری دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱، ص ۴۳.

۵. کاسسه، آنتونیو، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه: حسین پیران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷، ص ۲۷.

تعهد به منع بردگی، کشتار دسته جمعی و تبعیض نژادی؛

د) نقض شدید تعهدی بین‌المللی که برای صیانت و حفظ محیط زیست انسانی اهمیت اساسی دارد، مانند تعهد به منع آلودگی وسیع جو یا دریا».

بند ۴ همین ماده نیز اشعار می‌داشت: «هر تخلف بین‌المللی که طبق بند ۲ این ماده، جنایت بین‌المللی محسوب نشود، جرم بین‌المللی تلقی خواهد شد».

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، کمیسیون حقوق بین‌الملل در پیش‌نویس مذکور، صراحتاً بین دو نوع عمل نامشروع (جنایت بین‌المللی و جرم بین‌المللی) تفکیک قائل شد و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در رابطه با هر یک از این تخلفات از جمله مسئولیت کیفری دولت‌ها را مورد شناسایی قرار داده بود.

به‌طور کلی «جرائم بین‌المللی» که می‌توان از آنها با نام تخلفات معمولی نیز یاد کرد، تخلفاتی با ویژگی درون ذاتی بوده که صرفاً در رابطه با مباشر تخلف و قربانی خاص خود به وقوع می‌پیوندند و مشمول رژیم پرداخت غرامت و جبران خسارت می‌شوند. در مقابل، «جنایت بین‌المللی» مربوط به کل جامعه بین‌المللی بوده و به معنای نقض یک تعهد عینی در مقابل کلیه دولت‌ها می‌باشد.^۶ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که عنصر «خطرناک بودن و اهمیت» جنایت است که آن را از یک عمل نامشروع ساده متمایز می‌سازد.^۷

گفتنی است کمیسیون حقوق بین‌الملل با طرح موضوع در قالب بندهای ۲ و ۴ ماده ۱۹ پیش‌نویس طرح ۱۹۸۰، در حقیقت به نوعی رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی بارسلونا تراکشن را تبیین کرده بود. در این رأی، دیوان برای نخستین بار، مفهوم «تعهدات عام‌الشمول»^۸ را بدین شرح اعلام کرد: «بین تعهدات دولت‌ها در مقابل کل جامعه بین‌المللی و تعهداتی که در چارچوب حمایت دیپلماتیک در برابر دولتی دیگر به وجود می‌آید، باید تفکیک اساسی قائل شد».^۹

شناسایی مسئولیت کیفری دولت‌ها، با توجه به تبعاتی که می‌توانست برای حاکمیتشان داشته باشد، با مقاومت شدید آنها رو به رو شد و نهایتاً کمیسیون حقوق بین‌الملل با جایگزین کردن عبارت «نقض شدید تعهدات ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام» به جای عبارت «جنایات بین‌المللی و جرائم بین‌المللی» و با بازگشت به رویکرد سابق خود در سال ۱۹۵۰،^{۱۰} ضمن حذف ماده ۱۹ طرح ۱۹۸۰، مسئولیت بین‌المللی ناشی از تخلفات

۶. دو پویی، پی یر ماری، «ملاحظات پیرامون جرم بین‌المللی دولت»، ترجمه و تلخیص: علی حسین نجفی ابرآبادی، *مجله حقوقی*، ش ۱۳، پاییز و زمستان ۶۹ ص ۴۴۹-۴۸۶.

۷. برخی از نویسندگان در خصوص تقسیم‌بندی نقض‌های حقوق بین‌الملل کیفری به «جرم»، «جنایت» و «جنحه» با احتیاط برخورد کرده‌اند. رک: زمانی، قاسم، حسینی اکبرنژاد، هاله، «اصل صلاحیت جهانی در آیین دیوان کیفری بین‌المللی»، *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، ش ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ۲۰۴.

8. *erga omnes*

9. ICJ, *The Case of Barcelona Traction Light and Power Company*, 1970, p. 32.

10. ILC, "Report by J. Spiropoulos, Special Rapporteur of ILC on Draft Code of Offences against the Peace and

بین‌المللی دولت‌ها را ذیل ماده ۴۰ پیش‌نویس طرح ۲۰۰۱ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مورد شناسایی قرار داد.^{۱۱} این ماده که در فصل سوم طرح، تحت عنوان «نقض شدید تعهدات ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام» بیان شده است، مقرر می‌دارد:

«۱- این فصل، در موارد مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض شدید تعهدات منبعث از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام از سوی یک دولت اعمال می‌شود.

۲- نقض چنین تعهدی اگر متضمن قصور فاحش یا مستمر دولت مسئول در ایفای تعهد باشد نقض شدید محسوب می‌شود».

به طور کلی تفاوت حقوقی در آثار «جرم بین‌المللی» و «جنایت بین‌المللی» در سه امر می‌باشد:^{۱۲}

۱- وضعیت‌های حاصله از یک جنایت بین‌المللی، مشروعیت حقوقی ندارد. بدین ترتیب، در صورت تجاوز دولتی به قلمرو دولت دیگر (جنایت تجاوز)، سایر دولت‌ها، وضعیت سرزمینی جدید را به رسمیت نخواهند شناخت. بند ۲ ماده ۴۱ طرح ۲۰۰۱ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اعلام می‌کند: هیچ دولتی نباید وضعیت حاصل از نقض شدید تعهد در چارچوب مفاد ماده ۴۰ را قانونی بشناسد و نباید در حفظ آن وضعیت نیز کمک یا همراهی کند؛ در حالی که در صورت بروز یک تخلف عادی (جرم بین‌المللی)، وضعیت جدید مشروعیت داشته و تنها، طرف متخلف، دارای مسئولیت بین‌المللی خواهد بود (مانند تخلف از اصل رفتار با بیگانگان یا نقض مقررات دیپلماتیک).

۲- دولت‌ها ملزم هستند که جهت پایان بخشیدن به نقض شدید تعهدات آمره بین‌المللی، همکاری کنند. با عنایت به این که جنایت بین‌المللی نقض یک قاعده آمره بین‌المللی است، تمامی دولت‌ها متعهد به همکاری جهت توقف این تخلف می‌باشند. این بر خلاف واکنش در برابر یک جرم بین‌المللی عادی است که تمامی دولت‌ها متعهد به مقابله با آن و خاتمه بخشیدن به آن نیستند.

۳- صلاحیت رسیدگی به نقض قاعده آمره بین‌المللی (جنایت بین‌المللی)، یک صلاحیت جهانی است زیرا تمامی دولت‌ها و کل جامعه بین‌المللی قربانی این جنایت تلقی می‌شوند. برخلاف جرم عادی بین‌المللی که صلاحیت دولت متضرر در رسیدگی قضایی، شرط اساسی است.

با توجه به مطالب فوق، ملاحظه می‌شود که تعریف «جنایت بین‌المللی» با آنچه در تعریف «جرم بین‌المللی» گفته شد، متفاوت است.

دادگاه نظامی ایالات متحده آمریکا در نورنبرگ در قضیه «لیست و سایرین»، جنایت بین‌المللی را چنین

Security of Mankind", in: *Yearbook of the International Law Commission*, Document A/CN.4/22, Volume 11, 1950.

۱۱. هرמידاس باوند، داوود، «حقوق بشر و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها»، پیشین، ص ۵۳.

۱۲. دو پویی، پی یر ماری، پیشین.

تعریف کرده است: «جنایت بین‌المللی، رفتاری است که جهانیان در مجرمانه بودن آن توافق دارند و چنان مسئله حادی محسوب می‌شود که مورد اهتمام جامعه بین‌المللی است و براساس برخی دلایل معتبر رسیدگی به آن نباید در صلاحیت انحصاری دولتی قرار گیرد که در شرایط عادی از این حق برخوردار است».^{۱۳}

جنایتکاران جنگ جهانی دوم نیز به موجب اعلامیه ۱۹۴۳ مسکو به «جنایتکاران بزرگ جنگی» و «جنایتکاران عادی» تقسیم شدند. محاکمه جنایتکاران دسته نخست به موجب موافقتنامه لندن که در ۱۸ اوت ۱۹۴۵ به امضا رسید، به دادگاه‌های نظامی بین‌المللی نورنبرگ و توکیو واگذار شد. در مورد جنایتکاران عادی، شورای نظارت آلمان در ۲۰ دسامبر ۱۹۴۵، قانون شماره ۱۰ را تصویب کرد و طی آن به هر یک از دولت‌هایی که بخشی از آن کشور را در اشغال داشتند اجازه داد به نوبه خود، اشخاصی را که بازداشت کرده‌اند، محاکمه و مجازات کنند. بدین ترتیب، علاوه بر دادگاه نظامی ایالات متحده آمریکا در نورنبرگ، دادگاه‌های دیگری توسط شورای انگلیس، فرانسه، شوروی، استرالیا، کانادا، هلند، نروژ، دانمارک، چین و لهستان برای محاکمه جنایتکاران عادی تشکیل شدند.^{۱۴}

از سوی دیگر، موضوع «مسئولیت مشدد» که براساس آن، برخی تخلفات بین‌المللی در بردارنده مسئولیت‌های خاصی (متفاوت از مسئولیت در برابر تخلفات عادی) برای دولت متخلف می‌باشد، ناظر بر تباین مفهومی «جرم» و «جنایت» بین‌المللی است. به همین دلیل نیز در دعوی نسل‌کشی بوسنی علیه یوگسلاوی (۲۰۰۱)، پرونده واحدی در دو دیوان (دیوان بین‌المللی کیفری ویژه یوگسلاوی و دیوان بین‌المللی دادگستری) به منظور رسیدگی به دو نوع مسئولیت، تشکیل شد: رسیدگی به مسئولیت کیفری فردی توسط دیوان بین‌المللی کیفری و رسیدگی به مسئولیت دولتی توسط دیوان بین‌المللی دادگستری.^{۱۵}

لازم به ذکر است که هر دو دسته از مقررات ناظر بر جرائم بین‌المللی و جنایات بین‌المللی، در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری حاوی وجه مشترک «الزام‌آوری» بوده و همین امر باعث می‌شود تا ناقضین این مقررات به طور فردی دارای مسئولیت باشند. این مسئولیت به هنگام ارتکاب یک «جرم» بین‌المللی متضمن مسئولیت دولتی است در حالی که به محض ارتکاب یک «جنایت بین‌المللی»، مسئله مسئولیت کیفری فردی مطرح می‌شود.

13. US Military Tribunal at Nuremberg, *List and Others* (Hostages Trial), 19 Feb. 1948 (1953) 15 Ann. Dig. 632 at 636.

14. ساک کیتی شیایزری، کریانگ، حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه: بهنام یوسفیان، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳، ص ۱۳.

15. For Criminal Responsibility, see: UN.SC.Res.808 (1993), Adopted by the Security Council at its 3175th meeting, for International Responsibility, see: Application for Revision of the Judgment of 11 July 1996 in the *Case Concerning Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide* (Bosnia and Herzegovina v. Yugoslavia), *Preliminary Objections* (Yugoslavia v. Bosnia and Herzegovina), Application Instituting Proceedings Filed in the Registry of the Court on 24 April 2001.

ممکن است جنایات بین‌المللی به لحاظ ماهوی، از نقض قواعد عرفی بین‌المللی یا تخلف از قواعد مدونی شکل بگیرد که به منظور حفاظت از ارزش‌های مورد احترام تمامی جامعه بین‌المللی وضع شده و در نتیجه برای همه دولت‌ها و افراد الزام‌آور باشند. برخی از این مقررات مدون عبارتند از: منشور ملل متحد (۱۹۴۵)، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰)، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)، کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹)، اعلامیه سازمان ملل در خصوص روابط دوستانه (۱۹۷۰) و منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم (۱۹۸۱). همچنین معاهدات دیگری نیز وجود دارند که به طور سلبی، واجد مقررات مدون در حوزه جنایات بین‌المللی می‌باشند، مانند کنوانسیون منع نسل‌کشی (۱۹۴۸)، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در مورد حقوق مخاصمات (۱۹۴۹) و پروتکل‌های الحاقی اول و دوم (۱۹۷۷)، کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴)، کنوانسیون منع تبعیض نژادی و معاهدات مختلف راجع به تعقیب و ممانعت از اشکال خاص تروریسم.^{۱۶} بدین ترتیب انواع جنایات بین‌المللی به شش دسته کلی تقسیم می‌شوند: «جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، جنایت نسل‌کشی، شکنجه، تجاوز و برخی از اشکال حاد تروریسم».^{۱۷} شریف بسیونی در ادامه این تقسیم‌بندی، ۲۵ ویژگی جنایات بین‌المللی را نیز برشمرده که بر منافع اساسی بین‌المللی اثر گذاشته یا شامل نقض‌های فاحش ارزش‌های مشترک میان همه جوامع بشری می‌شوند.

گفتار دوم) مسئولیت بین‌المللی ناشی از جنایات بین‌المللی

به طور کلی مسئولیت بین‌المللی به لحاظ ماهوی در مرتبه متأخر نسبت به «تعهد بین‌المللی» قرار دارد. «قواعد اولیه»^{۱۸} حقوق بین‌الملل به دلیل اولویت حقوقی و ترتب زمانی از «قواعد ثانویه»^{۱۹} قابل تشخیص می‌باشند. به عبارت دیگر، «تعهدات» بین‌المللی ناشی از عرف یا معاهدات، به‌عنوان «قواعد اولیه» و قواعد ناظر بر پیامدهای نقض یک تعهد بین‌المللی، به‌عنوان حقوق مربوط به مسئولیت دولت‌ها در بخش «قواعد

۱۶. علی‌رغم اینکه جنایت تبعیض نژادی بر اساس شق ۱۰ بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، در شمار جنایات موجد مسئولیت کیفری فردی دانسته شده است، به اعتقاد کاسسه، این جنایت جزو جنایات بین‌المللی به حساب نمی‌آید. ایشان اعتقاد دارند که علی‌رغم لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون ۱۹۷۳ رفع تبعیض نژادی، به دلیل عدم شناسایی این جنایت در نظام کامن‌لا و عدم عضویت هیچ دولت غربی در این کنوانسیون، نمی‌توان سیاست تبعیض نژادی را جنایتی محسوب کرد که متضمن مسئولیت کیفری باشد. به نظر نویسنده مقاله حاضر، نمی‌توان این استدلال را بدین ترتیب پذیرفت چرا که با عنایت به کنوانسیون رفع تبعیض و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، این جنایت، هم از منظر حقوق مدون و هم براساس حقوق عرفی، یک جنایت بین‌المللی می‌باشد.

17. M.Charif Bassiouni, "The Sources and Content of International Criminal Law: A Theoretical Framework" in M. Cherif Bassiouni (ed.), *International Criminal Law* (2nd edn, New York, 1999), Vol. I, pp. 32-33.

18. primray rules

19. secondary rules

تانویه» مطرح بوده^{۲۰} و به همین دلیل قسمت دوم ماده ۲ پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱)، نقض «تعهد بین‌المللی» توسط دولت‌ها را موجب مسئولیت بین‌المللی می‌داند.

موضوع مسئولیت بین‌المللی در حقوق بین‌الملل کیفری، وجوه مختلفی دارد. از یک سو تخلفات شناسایی‌شده در حقوق بین‌الملل کیفری، واجد جنبه کیفری و شخصی بوده و از سوی دیگر، مسئولیت کیفری برای دولت‌ها (علی‌رغم کوشش‌های صورت پذیرفته توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل) هنوز شناسایی نشده است.

تا پیش از پایان جنگ جهانی دوم، بنابر اصالت حاکمیت محوری در حقوق بین‌الملل، تنها مسئولیت بین‌المللی دولت‌های متخلف، «مسئولیت جبران و ترمیم» بوده و به دلیل ماهیت انتزاعی شخصیت دولت‌ها، موضوع مسئولیت کیفری دولت‌ها زمینه طرح نداشت.

در آن دوره، دولت‌ها تنها در قبال «خطاهای بین‌المللی»^{۲۱} و بر اساس اصل «لاضرر»^{۲۲} در حقوق بین‌الملل، مسئول جبران خسارت و پرداخت غرامت به دولت یا دولت‌های صدمه دیده بودند.

بدین ترتیب، تعهدات دولت‌ها در قبال نقض تعهدات بین‌المللی خود، محدود به «جبران خسارت» به شکل «اعاده وضعیت به شکل سابق»^{۲۳}، «پرداخت غرامت»^{۲۴} یا «جلب رضایت»^{۲۵} بود.

در این حالت، دولت خاطی، ضمن «اعاده کامل وضعیت به حالت سابق»^{۲۶}، متعهد می‌شد تا در آینده نیز خطاهای بین‌المللی مشابه را تکرار نکند. این نوع «مسئولیت محدود» دولت‌ها در حقیقت، نتیجه «تعهدات محدود» آنها در قبال جامعه جهانی بود. در نظام بین‌المللی آن دوره، تجاوز مسلحانه و کشتار دسته جمعی به‌عنوان «جنایات بین‌المللی» تلقی نشده و جنگ به‌عنوان ادامه سیاست خارجی دولت‌ها تلقی می‌شد. نقض فاحش حقوق بشر و تبعیض نژادی در زمره اصول ممنوعه حقوق بین‌الملل نبوده و مسئله‌ای به‌عنوان «حفظ محیط زیست» مطرح نبود.^{۲۷}

در مقررات آن دوره از حقوق بین‌الملل، مقامات ارشد دولتی هیچ‌گاه شخصاً مسئول تخلفاتشان شناخته نمی‌شدند بلکه تنها «دولت‌ها» در برابر دولت‌های دیگر پاسخگو بودند. در عین حال، نظامیان (غالباً

۲۰. کاسسه، آنتونیو، حقوق بین‌الملل، ترجمه: حسین شریفی طرازکوهی، چاپ اول، ۱۳۸۵ نشر میزان، ص ۳۴۴.

21. international wrongful acts

22. sic utere tuo alrenum non laedas

23. restitution

24. compensation

25. satisfaction

26. restitution in integrum

۲۷. هرمیداس باوند، داوود، پیشین، ص ۴۸-۴۷.

دون پایه) نیز که متهم به بدرفتاری در طول جنگ‌های خارجی بودند، گاه مسئول شناخته می‌شدند. در سال ۱۹۴۵ برای اولین بار در تاریخ، این اصل وضع گردید که مقامات دولتی، از جمله مقامات بلند پایه سیاسی، مسئولین برجسته اداره و تأمین بودجه جنگ و کسانی که در تبلیغات رسمی دولتی مسئولیت داشته‌اند نیز باید پاسخ‌گوی تخلفات فاحش خود در طول جنگ باشند.^{۲۸}

از سوی دیگر تا قبل از این تاریخ، دولت‌ها از صلاحیت (قضایی و اجرایی) انحصاری بر افراد ساکن در سرزمینشان برخوردار بودند. به موجب اصل صلاحیت انحصاری مزبور، تعقیب و مجازات افراد متخلف، تنها زمانی میسر بود که قوانین داخلی به مقامات قضایی آن دولت، اختیار محاکمه را داده و اراده سیاسی نیز برای این محاکمه موجود بود.^{۲۹} در این وضعیت اگر مقامات دولت مزبور، رغبتی به تعقیب و مجازات نشان نمی‌دادند، دولت متبوع مجنی علیه مجاز بود که علیه دولت قاصر، دعوایی بین‌المللی مبنی بر مجازات مباشرین یا پرداخت غرامت، اقامه نماید که این مسئله در قالب حق «حمایت دیپلماتیک» دولت‌ها عینیت می‌یافت.

از آنجا که در این حالت، موضوع مسئولیت بین‌المللی دولت، بابت قصور در محاکمه و اعمال مجازات متخلفین مطرح می‌شد، مسئله مصونیت مقامات در چارچوب مقام رسمی‌شان نیز پیش می‌آمد.

لازم به ذکر است که در دکتترین فوق، تنها دو استثنا بر اصل مصونیت مقامات رسمی دولت متخلف مطرح بود. جرم «راهزنی دریایی» و «جنایات جنگی» از جرائمی بودند که حتی با وجود مصونیت مقامات رسمی، دولت‌ها حق تعقیب و مجازات مرتکبین این جرائم را بدون لحاظ نمودن اصل مصونیت دولت‌ها، داشتند. در خصوص جرم راهزنی، همه دولت‌ها، فارغ از این که قربانیان، تابع چه دولتی بوده و این که خسارت مستقیم راهزنی متوجه چه دولتی شده، حق تحقیق درباره راهزنان و تعقیب آنان را داشتند. راهزنان در این دکتترین، «دشمنان نوع بشر محسوب می‌شدند چرا که به آزادی آب‌های آزاد خدشه وارد نموده و به حریم اموال خصوصی تجاوز کرده بودند».^{۳۰}

همچنین در خصوص جنایتکاران جنگی نیز اصل مصونیت مقامات سیاسی دولت‌ها، مانعی بر سر راه

۲۸. پیشین، ص ۵۱.

۲۹. کاسسه، آنتونیو، حقوق کیفری بین‌المللی، پیشین، ص ۴۷.

۳۰. ماده ۱۰۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها تعریف زیر را در مورد راهزنی ارائه می‌نماید:

«راهزنی عبارت است از هر یک از اعمال زیر:

(۱) ارتکاب هر گونه اعمال خشونت بار یا توقیف غیرقانونی یا غارت و تاراج با اهداف مجرمانه از سوی کارکنان یا مسافران یک کشتی یا هواپیمای خصوصی؛

(الف) در دریای آزاد علیه کشتی یا هواپیمای دیگر یا اموال یا اشخاص سوار بر آنها؛

(ب) علیه کشتی، هواپیما یا اشخاص و اموالی که در قلمرو هیچ کشوری قرار ندارند؛

(۲) هر گونه مشارکت عمدی در راه اندازی یک کشتی یا هواپیما با علم به این واقعیت که آن کشتی یا هواپیما مورد راهزنی قرار گرفته است؛

(۳) هر گونه تشویق یا تسهیل عمدی افعالی که در بندهای فرعی (الف) و (ب) توصیف شد.

محاکمه این افراد نبوده و به تدریج در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، مقررات عرفی راجع به قواعد جنگ در سه سطح یک جانبه، نیمه بین‌المللی و بین‌المللی در کنار مقررات راجع به مبارزه با جرم دزدی دریایی به‌عنوان استثنائاتی بر مصونیت دولت‌ها، تدوین و مورد شناسایی قرار گرفتند.^{۳۱}

تدوین مقررات عرفی جنگ به‌صورت یک جانبه، در سال ۱۸۶۳ و در مجموعه معروف «کد لیبر»^{۳۲} صورت گرفت. در این سال، لینکلن رئیس‌جمهور امریکا طی دستورالعمل شماره ۱۰۰، مجموعه مقررات جنگی لازم‌الاجرای را برای نیروهای امریکایی درگیر در جنگ (در سال‌های ۱۸۶۵-۱۸۶۱) صادر کرد.^{۳۳} در سطح نیمه بین‌المللی، می‌توان به تصویب متن مهم و معروف «نظام‌نامه آکسفورد»^{۳۴} در انستیتوی حقوق بین‌الملل در سال ۱۸۸۰ اشاره کرد.^{۳۵} در سطح بین‌المللی نیز مهم‌ترین مورد، کنفرانس تدوین لاهه (۱۸۹۹-۱۹۰۷) است. در این دوره، جرائم جنگی معمولاً تحت عنوان تخلفات متخاصمین از قوانین جنگ در منازعات مسلحانه بین‌المللی توصیف می‌شد. این جرائم آثار زیر را در پی داشتند:

الف) افرادی که در هیأت مقامات دولتی مرتکب این جرائم می‌شدند از بابت تخلفات جنگی قابل محاکمه بودند.

ب) نه تنها دولت متبوع این افراد، بلکه طرف متخاصم نیز مجاز بود آنان را مجازات نماید. با این حال برای مدت مدیدی تعقیب و مجازات کسانی که مرتکب جرائم جنگی شده بودند در درجه اول از طریق طرف متخاصم و براساس اصل صلاحیت دولت متبوع مجنی‌علیه به عمل می‌آمد (و نه دول ثالث). در این میان با اندکی مسامحه در مورد یک استثنای مهم در رابطه با محاکمه متخلفین نظامی امریکایی (شرکت کننده در منازعات مسلحانه ۱۹۰۱ فیلیپین) در دادگاه نظامی این دولت به سال ۱۹۰۲، مجازات متخلفین توسط دولت متبوع مجنی‌علیه پذیرفته شد.

با پایان یافتن جنگ دوم جهانی و آغاز فصل نوینی از حیات حقوق بین‌الملل، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نیز شاهد تحولات ویژه‌ای بود به‌طوری‌که برخی از نویسندگان بر این عقیده‌اند که این دوره، «عصر جدید نهاد مسئولیت بین‌المللی» می‌باشد.^{۳۶} یکی از دلایل این تحول بزرگ، افزوده شدن دو دسته جدید «جرم علیه صلح و جنایت علیه بشریت» به جرگه دو جرم شناخته شده سابق (دزدی دریایی و جنایات جنگی) بود. در این دوره، متحدین بر مبنای اصل سرزمینی یا اصل تابعیت مجنی‌علیه، رسیدگی‌هایی را آغاز

۳۱. کاسسه، آنتونیو، حقوق کیفری بین‌المللی، پیشین، ص ۴۸.

32. Instructions for the Government of Armies of the United States in the Field (Lieber Code). 24 April 1863, D. Schindler and J.Toman, *The Laws of Armed Conflicts*, Martinus Nijhoff, Publisher, 1988, pp. 3-23.

33. L. Friedman, *The Law of War – A Documentary History*, (New York, 1972), vol. 2, at 158-186.

34. Oxford Manual

۳۵. کاسسه، آنتونیو، پیشین.

۳۶. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق جنگ، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ دوم ۱۳۸۰، ص. ۲۴۶.

و دیوان بین‌المللی نظامی در نورنبرگ را برای مرتکبان جنایات بین‌المللی (و سپس دادگاه توکیو در سال ۱۹۴۶) تشکیل دادند.

پس از تصویب کنوانسیون منع نسل‌کشی در سال ۱۹۴۸ و شناسایی نسل‌کشی به‌عنوان یک جنایت بین‌المللی مستقل، کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو، ضمن تدوین مقررات عرفی و همچنین اضافه کردن موارد جدید جرائم جنگی (تحت عنوان «نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو») جرائم بین‌المللی را مشمول اصل «صلاحیت جهانی» نمودند. در این دوره بود که در کنار «مسئولیت مدنی دولت‌ها»، نهاد جدیدی تحت عنوان «مسئولیت کیفری دولت‌ها» نیز مطرح شد.

در این مقطع، یکی از عمده‌ترین عرصه‌های حقوق بین‌الملل کیفری که در آن «مسئولیت کیفری دولت‌ها» مطرح می‌شد، نقض حقوق جنگ به‌ویژه نقض قواعد حقوق بشردوستانه بود. لازم به ذکر است که اساساً دکترین «مسئولیت کیفری دولت‌ها» از دیر باز اختلافات حقوقی بسیاری را به وجود آورده است.

در حالی که نظریه کلاسیک در این رابطه، ناظر بر عدم پذیرش مسئولیت کیفری دولت‌ها بود، حقوقدانان متأخر، این نهاد کیفری را برای دولت‌ها قابل اعمال می‌دانند.^{۳۷}

در تأیید نظریه جدید مبتنی بر نظریه مسئولیت کیفری دولت‌ها، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل الحاقی اول با عباراتی نسبتاً مشابه اعلام کردند: «هیچ یک از دولت‌های متعاقد نمی‌توانند خود یا دولت دیگر متعاقد را از مسئولیت‌هایی که به علت ارتکاب جرائم مذکور در (این کنوانسیون‌ها) متوجه خود یا دولت دیگر می‌شود معاف سازند».^{۳۸}

در روزهای پس از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۴۵ در خلال دادگاه‌های نورنبرگ و سپس توکیو، محاکمه جنایتکاران جنگی با نادیده گرفتن اصل مصونیت مقامات دولتی در پرتو مسئولیت کیفری فردی، در حقیقت به دنبال عملی نمودن اصل مسئولیت کیفری دولت‌ها بود ولی آنچه عملاً اتفاق افتاد، محاکمه افراد (به‌جای دولت‌ها) بود.

با توجه به این وضعیت، مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷ طی قطعنامه ۱۷۷ (II) از

۳۷. فرانسویون، ژاک، «جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت»، ترجمه و تلخیص: محمد علی اردبیلی، مجله حقوقی، ش ۷، زمستان ۶۵ - ۲۳۱ - ۳۳۱.
38. Art. 51 of Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field, Geneva, 12 August 1949; Art. 52 of Convention (III) relative to the Treatment of Prisoners of War, Geneva, 12 August 1949; Art. 131 of Convention (II) for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea, Geneva, 12 August 1949; Art. 148 of Convention (IV) relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, Geneva, 12 August 1949; Art. 91 of Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 1125 U.N.T.S. 3, entered into force Dec. 7/ 1978.

کمیسیون حقوق بین‌الملل خواست تا فهرستی از «جرائم علیه صلح و امنیت علیه نوع بشر»^{۳۹} را تهیه کند. این کمیسیون پس از حدود سه سال، گزارش خود را در این رابطه توسط «اسپیروپولوس»^{۴۰} گزارشگر ویژه کمیسیون در ۲۵ آوریل ۱۹۵۰ ارائه داد. این گزارش ضمن اشاره به قطعنامه ۹۵ (۱) مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ مجمع عمومی مبنی بر این که منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان نورنبرگ، کاشف از اصول حقوق بین‌الملل می‌باشند، بین دو مفهوم «جرائم علیه صلح و امنیت نوع بشری» و «جرائم بین‌المللی» قایل به تفکیک شد. این گزارش اعلام می‌دارد:

«جرم علیه صلح و امنیت نوع بشر»^{۴۱} شامل هر گونه جرمی است که واجد عنصر بین‌المللی بوده و در آن، مباحثی از قبیل مقررات مربوط به جرائم ارتکاب یافته در خارج از مرزها، یا جرائم ارتکاب یافته توسط بیگانگان و این که آیا استرداد این افراد مجاز بوده یا خیر، مطرح می‌شود. فهرست جرائم علیه صلح و امنیت علیه نوع بشری، مواردی از اقدامات یا چشم پوشی‌های دولتی را که به سبب نقض تعهدات بین‌المللی، در بردارنده مسئولیت بین‌المللی آنها می‌باشد دربرمی‌گیرد. ویژگی اصلی این جرائم، طبیعت سیاسی آنها است. مسئولیت کیفری فردی در حقوق بین‌الملل، یکی از اصول تأکید شده در مقررات حقوق بین‌المللی کیفری و اساسنامه‌های دیوان‌های کیفری است. اما این موضوع مورد تردید است که آیا در کنار مسئولیت کیفری فردی، یک مسئولیت موازی کیفری نیز باید برای سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها تعریف شود»^{۴۲}.

کمیسیون در نتیجه‌گیری و پاسخ به این سؤالات اعلام می‌نماید که:

«نمی‌توان برای سازمان‌ها و دولت‌ها در کنار مسئولیت کیفری فردی، مسئولیت کیفری جداگانه‌ای قائل شد. به دلیل این که معاهدات مختلف بین‌المللی (به غیر از چند استثنا) چنین مسئولیتی را برای دولت‌ها قائل نشده‌اند و اساسنامه نورنبرگ نیز یکی از این اسناد بین‌المللی چندجانبه می‌باشد».

کمیسیون در ادامه می‌افزاید:

«دکترین مسئولیت کیفری دولتی، یک موضوع چالش برانگیز است. رویه بین‌المللی، سابقه‌ای از چنین مسئولیتی ندارد. در جریان جنگ جهانی دوم، زمانی که دول فاتح، تصمیم خود را جهت مجازات دیکتاتوری آلمان اعلام کردند (کنفرانس مسکو، اعلامیه راجع به دیکتاتوری آلمان، ۳۰

39. Code of Offences against the Peace and Security of Mankind.

40. J. Spiropoulos

41. در این مفهوم، جرم بین‌المللی به معنای "Delict" بوده و در برابر «جرم» (Crime) به کار رفته است که در گزارش فوق، از آن با عبارت «جرم علیه صلح و امنیت نوع بشر» یاد شده است.

42. Draft Code of Offences against the Peace and Security of Mankind, Reported by: J. Spiropoulos, Special Rapporteur of ILC, p. 258, para. 34 (d), *Extract from the Yearbook of the ILC 1950*, Vol. II.

اکتبر ۱۹۴۳) هیچ سخنی از مجازات «دولت آلمان»^{۴۳} به میان نیامده بود. در اعلامیه مسکو نیز بر عزم دول فاتح بر مجازات «مجرمان آلمانی و اعضای حزب نازی» که مسئول اعمال خشونت بار و کشتارهای دسته‌جمعی در کشورهای تحت اشغال آلمان بودند تأکید شده است. همچنین در کنفرانس ۱۹۴۵ لندن (برای تدوین اساسنامه تشکیل دادگاه نظامی جهت محاکمه جنایتکاران جنگی) هیچ تلاشی برای تعریف مسئولیت کیفری برای دولت «رایش» آلمان صورت نپذیرفت.^{۴۴}

علاوه بر گزارش کمیسیون، دادگاه نورنبرگ در خصوص نفی مسئولیت کیفری دولت‌ها صراحتاً اعلام داشت: «جرائم علیه حقوق بین‌الملل توسط افراد انجام می‌شود نه توسط موجودیت‌های انتزاعی و تنها با مجازات افرادی که مرتکب این جرائم شده‌اند، مقررات حقوق بین‌الملل به مورد اجرا در می‌آید».

علی‌رغم رویکرد گزارش ۱۹۵۰ کمیسیون و دادگاه نورنبرگ، همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، کمیسیون حقوق بین‌الملل در پیش‌نویس ۱۹۸۰ راجع به طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، طی ماده ۱۹ تحت عنوان «جنایات بین‌المللی و جرائم بین‌المللی دولت‌ها» اقدام به شناسایی «جنایات بین‌المللی دولت‌ها» کرد. بر اساس بند ۲ این ماده، «چنانچه تخلف بین‌المللی دولت، ناشی از نقض چنان تعهد بین‌المللی باشد که ضرورت رعایت آن برای صیانت از منافع اساسی جامعه بین‌المللی به حدی باشد که نقض آن از سوی جامعه بین‌المللی به طور کلی، جنایت شناخته شود، تخلف مزبور، جنایت بین‌المللی محسوب می‌شود».

در رابطه با تعیین مصادیق منطبق با تعریف ارائه شده از جنایات بین‌المللی، توجه به این نکته ضروری است که تعیین مصادیق مزبور توسط جامعه ملت‌ها و در پرتو آخرین رخدادهای حوزه حقوق، اخلاق و عدالت کیفری هر روزگار صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، تعاریف ارائه شده در نظام‌های حقوقی مختلف راجع به جنایات بین‌المللی، وابسته به مقتضیات خاص زمان و شرایط خاص مقاطع مذکور می‌باشد. به‌عنوان نمونه، در حالی که آپارتاید تا اوایل قرن حاضر، هرگز به‌عنوان یک جنایت بین‌المللی به شمار نمی‌رفت، با کوشش حقوقدانان و خیزش ملت‌ها، در زمره یکی از جنایات بین‌المللی قرار گرفت.

در ادامه مباحث مربوط به شناسایی یا عدم شناسایی مسئولیت بین‌المللی ناشی از جنایات بین‌المللی، در حالی که علی‌رغم گزارش ۱۹۵۰ کمیسیون، به نظر می‌رسید که موضوع شناسایی مسئولیت کیفری دولت‌ها در طرح کمیسیون، تقریباً منتفی شده است، به دلیل وقوع تحولات مختلف در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری، این کمیسیون با طرح ماده ۱۹ در پیش‌نویس سال ۱۹۸۰، قصد شناسایی این نوع مسئولیت را داشت که با مقاومت‌های شدید دولت‌ها نهایتاً در طرح ۲۰۰۱ این ماده حذف شد.

با وجود این، با بررسی مواد طرح ۲۰۰۱ و با تجمیع این مقررات با مقررات سایر کنوانسیون‌های عام‌الشمول،^{۴۴}

43. State of German

۴۴. با این که کمیسیون حقوق بین‌الملل در گزارش ۱۹۵۰ و نیز دیوان کیفری نورنبرگ، به دلیل غیرقابل اجرا بودن انتساب مسئولیت کیفری بر یک موجود انتزاعی (شخصیت حقوقی)، از پذیرش مسئولیت کیفری فردی خودداری کردند، کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته جنبه‌های گوناگون «مسئولیت» در حقوق بین‌الملل کیفری ❖ ۲۳۵

این نکته مشخص می‌شود که رویکرد حقوق بین‌الملل، قائل شدن به تفکیک میان مسئولیت دولت‌ها در قبال تعهدات خاصی چون مقررات حقوق بشردوستانه و مسئولیت ناشی از تخلفات عادی آنها می‌باشد.

مبحث دوم) رویکرد حقوق بین‌الملل عام نسبت به تخلفات دولت‌ها در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری

علی‌رغم مقاومت دولت‌ها در برابر فرض مسئولیت کیفری دولت، این واقعیت که در نظام معاصر حقوق بین‌الملل، برخی تعهدات وجود دارند که از یک سو به لحاظ ویژگی و طبیعت اجرایی در حوزه اقتدار حاکمیتی قرار داشته و از سوی دیگر و به لحاظ جایگاه حقوقی، واجد اهمیت بنیادین برای جامعه بین‌الملل می‌باشند، سبب شده است تا حقوق بین‌الملل معاصر، راهکاری برای رفع این تعارض در نظر بگیرد. بر این اساس، ضمن تفکیک بین انواع تخلفات دولت‌ها، نوع خاصی از مسئولیت دولت‌ها برای پوشش دادن به تخلفات خاص دولت‌ها در نظر گرفته شده است.

گفتار اول) تفکیک میان مسئولیت‌ها براساس نوع تعهدات بین‌المللی

در فاصله بین دو جنگ جهانی، نظریه سنتی مسئولیت دولت‌ها مبنی بر وجود یک رژیم مسئولیتی واحد و جامع، مورد انتقاد شدید حقوقدانان قرار گرفت و نظراتی در باب تفکیک بین مسئولیت‌های بین‌المللی بر اساس درجه اهمیت تعهدات نقض شده برای جامعه بشری مطرح شد.^{۴۵}

براساس این تفکیک، مسئولیت دولت‌ها در خصوص انجام تعهدات خود، به دو دسته تقسیم می‌شوند. نوع اول، «مسئولیت بین‌المللی عادی»^{۴۶} دولت‌ها ناشی از نقض تعهدات عادی دو یا چند جانبه است. تعهدات متقابل دولت‌ها که در چارچوب روابط دو یا چند جانبه تعریف می‌شوند واجد ویژگی «حمایت از منافع متقابل دولت‌ها»^{۴۷} در روابط اقتصادی، سیاسی، کنسولی و غیره بوده و در استقرار این رژیم مسئولیت عنصر تعیین‌کننده اصل «منفعت» می‌باشد، به طوری که هر گونه تخلف از هر یک از این تعهدات بین‌المللی یک رابطه خصوصی میان صاحب حق (زیان‌دیده) و دولت متخلف ایجاد کرده، در چارچوب رژیم «جبران خسارت» قرار می‌گیرد در حالی که این موضوع در مباحث حقوق بین‌الملل کیفری، موضوعیتی ندارد.

نوع دیگر که در تفکیک صورت پذیرفته در نظام معاصر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مطرح است، مسئولیت دولت‌ها در قبال کل جامعه جهانی (و نه صرفاً در قبال طرف یا طرف‌های متعاقد خود) است. در

فرامرزی سازمان ملل (پارمو، ۲۰۰۰) در بند ۲ ماده ۱۰، مسئولیت کیفری شخصیت‌های حقوقی را شناسایی کرده است.
۴۵. کاسسه، آنتونیو، حقوق بین‌الملل، پیشین، ص ۳۴۵.

46. ordinary

47. synallagmatic

این نوع مسئولیت، دولت‌ها در قبال برخی اعمال خلاف خود، به دلیل دارا بودن «تعهد در برابر اجتماع»^{۴۸}، در برابر «کل جامعه جهانی» مسئول شناخته می‌شوند.

ماده ۱ طرح پیش‌نویس ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت دولت‌ها، اعلام می‌دارد: «هر تخلف بین‌المللی دولت، موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت می‌شود» و بند ۱ ماده ۴۰ همان پیش‌نویس نیز مقرر می‌دارد: «مورد اعمال این فصل، مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض شدید تعهد منبعث از قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام از سوی یک دولت است». بند ۲ ماده مزبور نیز اعلام می‌دارد «نقض چنین تعهدی (نقض شدید تعهد منبعث از قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام) اگر متضمن قصور فاحش یا مستمر دولت مسئول در ایفای تعهد باشد، نقض شدید تعهد محسوب می‌شود.»

مقررات حقوق بین‌الملل کیفری، از آن جهت که ناظر بر مسئولیت کیفری است، منحصر به افراد بوده و به همین دلیل، یکی از اصول پایه‌ای حقوق بین‌الملل کیفری، اصل «مسئولیت فردی» است. از سوی دیگر با عنایت به این که برخی از تعهدات موجود در حقوق بین‌الملل کیفری، در دایره تعهدات دولت‌ها قرار دارد (مانند تعهد به قانونگذاری، تعهد به همکاری و تعهد به جلوگیری از تخلفات عمده مانند نسل‌کشی و شکنجه)، میرا دانستن دولت‌ها از هرگونه تعهد در این حوزه از حقوق بین‌الملل، قابل تصور نمی‌باشد.

به عنوان نمونه، دولت‌ها براساس تعهدات موجود در برخی اسناد بین‌المللی،^{۴۹} دارای نوعی تعهد به نام «تعهد به همکاری» در مبارزه با جنایات بین‌المللی می‌باشند که این تعهد، با این که در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری قرار دارد مسئولیتی را بر عهده افراد نهاده است. تعهد به همکاری دولت‌ها در مبارزه با جنایات بین‌المللی بر اساس هر منشایی (تعهدات عرفی یا قراردادی)، یک مسئله حقوق بین‌الملل عام بوده و از سوی دیگر، مقررات حقوق بین‌الملل کیفری به لحاظ ماهوی، ناظر بر مسئولیت کیفری فردی می‌باشند. بنابراین، مسئله «تعهد بین‌المللی دولت‌ها در مبارزه با جنایات بین‌المللی» را می‌توان همانند پلی میان حوزه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و مسئولیت کیفری فردی دانست.

با این که ایفای تعهدات دولت‌ها یا عدم ایفای این تعهدات، در حقوق بین‌الملل عام مورد بحث قرار می‌گیرد همین که موضوع تعهد، مربوط به یک مسئله کیفری بین‌المللی می‌شود، در واقع صورت مسئله به گونه‌ای دیگر تغییر یافته و ضمن حفظ جنبه حقوق بین‌الملل عام، مسئله مسئولیت کیفری نیز مطرح می‌شود.

به همین دلیل دولت‌ها به هنگام نقض تعهد در قبال مقررات کنوانسیون‌های عام‌الشمولی مانند

48. community obligation

۴۹. از جمله این اسناد بین‌المللی عبارتند از: کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو، کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد (میریدا)، کنوانسیون ملل متحد علیه جنایات سازمان یافته فراملی (پارمو)، کنوانسیون منع شکنجه، کنوانسیون نسل‌کشی، اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری ویژه یوگسلاوی و رواندا و بالاخره اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری.

کنوانسیون منع شکنجه، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (که بنابر اعلام دیوان کیفری برای یوگسلاوی سابق بیان کننده قواعد عرفی می‌باشند) و کنوانسیون منع برده‌داری، دارای نوع خاصی از مسئولیت بین‌المللی خواهند بود که قدر مسلم این مسئولیت، یک «مسئولیت بین‌المللی عادی» نبوده و به دلیل طبیعت مقررات موجود در این نوع کنوانسیون‌ها، نقض مقررات آنها جنبه کیفری خواهد داشت چرا که به‌طور مثال نمی‌توان تصور کرد که تخلف از یک قاعده آمره مربوط به کنوانسیون نسل‌کشی یا منع برده‌داری، از منظر «مسئولیت غیر کیفری» مطرح شود. علی‌رغم این استدلال، در حال حاضر رویه بدین ترتیب است که در مقام برخورد با نقض‌های مربوط به این نوع کنوانسیون‌ها و مقررات آمره، کماکان «مسئولیت کیفری فردی» مطرح می‌شود.

مفهوم اصل مسئولیت کیفری فردی^{۵۰} این است که «هیچ‌کس را نمی‌توان به مناسبت اقدام مجرمانه یا فعالیت مجرمانه دسته جمعی که شخصاً در آن دست نداشته و به‌گونه دیگری هم در آن مداخله نکرده است، از نظر کیفری مسئول دانست».^{۵۱} وقتی جرم توسط نهاد دولتی و به شیوه سازمان‌دهی شده مثلاً در جنایت نسل‌کشی صورت پذیرفته است، تنها با محاکمه افراد مباشر، طراح یا عوامل این جنایت، به رسیدگی این جرم پایان داده می‌شود در حالی که آن اراده اصلی و انتزاعی که افراد را برای اجرای اراده خود به کمک گرفته و جنایت مزبور را انجام داده است هنوز بی‌کیفر باقی مانده و حتی از شناسایی بین‌المللی و مصونیت‌های معمول حاکمیت‌ها نیز برخوردار است و به راحتی می‌تواند با تبدیل چهره‌ها و افراد، به جرائم خود در پوشش بی‌مسئولیتی ادامه دهد. شعبه تجدید نظر دادگاه بین‌المللی کیفری ویژه یوگسلاوی در پرونده تادیچ اعلام کرد: «این مطلب درست است که احتمالاً فقط برخی از اعضای گروه، اقدام مجرمانه را به‌طور مادی انجام داده‌اند اما مداخله و کمک‌رسانی دیگر اعضای گروه، غالباً اهمیتی حیاتی در تسهیل ارتکاب جرم مورد نظر دارد. به همین دلیل و در نتیجه، از نظر اخلاقی، اهمیت چنین مداخله‌ای اغلب از کار کسانی که عملاً اقدامات مجرمانه مورد نظر را به اجرا در می‌آورند، کمتر نیست و در حقیقت این دو با هم تفاوتی ندارند».^{۵۲}

همین نگرانی باعث شد که در قضیه نسل‌کشی بوسنی، دعوای بوسنی و هرزگوین علیه یوگسلاوی سابق، در دو دیوان کیفری (دادگاه بین‌المللی کیفری ویژه یوگسلاوی) و دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شود. با این که دیوان بین‌المللی دادگستری صلاحیت رسیدگی به دعوای کیفری را ندارد، همین که یک جرم کیفری، (که ماهیتاً در یک دیوان کیفری در حال رسیدگی است) در همان زمان در دیوان بین‌المللی دادگستری برای رسیدگی غیر کیفری دولتی مطرح می‌شود، نشانگر وجود نگرانی ناشی از بی‌کیفری در حقوق

50. principle of personal culpability.

51. *Prosecutor v. Dusko Tadic*, Case No. IT-94-1-A, ICTY App. Ch., 5 July 1999, para. 264.

52. ICTY, *Tadic Appeals Judgment*, para.191.

بین‌الملل کیفری در جامعه بین‌الملل می‌باشد.

دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی ۲۰۰۷ خود راجع به دعوی بوسنی علیه یوگسلاوی، ضمن اشاره به ماده ۱ کنوانسیون منع نسل‌کشی راجع به مسئولیت دولت‌ها در جلوگیری از وقوع جنایت نسل‌کشی، اقدامات افراد و گروه‌های منتسب به دولت‌ها را در این زمینه موجب مسئولیت آن دولت‌ها دانسته است.^{۵۳} در تأیید این موضوع، همچنان که گفته شد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل الحاقی اول با عباراتی نسبتاً مشابه اعلام کرده‌اند: «هیچ یک از دولت‌های متعاقد نمی‌توانند خود یا دولت دیگر متعاقد را از مسئولیت‌هایی که به علت جرائم مذکور (در این کنوانسیون‌ها) متوجه خود یا آن دولت دیگر می‌شود، معاف سازند».^{۵۴}

نتیجه بحث فوق این که هر چند به دلیل مقاومت دولت‌ها، تا کنون در ادبیات حقوق بین‌الملل، موضوع «مسئولیت کیفری دولت‌ها» امکان بروز و ظهور پیدا نکرده است، در عین حال اندیشه شناسایی مفهوم مسئولیت کیفری دولت‌ها کماکان در عملکرد جامعه جهانی نوین، قابل مشاهده است. همان‌طور که در تدوین «کد تجاوز علیه صلح و امنیت بشری» که در واقع مکمل طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌باشد نیز تفکیک مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به دو رژیم حقوقی «مسئولیت ناشی از تخلفات عادی» و «مسئولیت ناشی از نقض فاحش حقوق بشر» تجلی پیدا کرده است.

همچنین در ماده ۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، جنایات بین‌المللی فهرست شده در ماده ۱۹ طرح مسئولیت بین‌المللی ۱۹۸۰ به نحو دیگری منعکس شده است. علاوه بر این، در ماده ۷ این اساسنامه و در بیان جنایت علیه بشریت به عنوان یکی از جنایات تحت صلاحیت دیوان، به مواردی (از جمله کشتار، ریشه‌کن کردن، به بردگی گرفتن، تبعید، تعقیب، ناپدید کردن اجباری اشخاص، اقدامات تبعیض نژادی) اشاره شده است که ماهیتاً جز از طریق اعمال اراده حاکمیتی و قدرت دولت‌ها قابل انجام نیست.

شورای امنیت نیز که به موجب فصل‌های ۶ و ۷ منشور، صرفاً دارای صلاحیت در رابطه با حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی و اعمال مجازات علیه «دولت‌ها» در رابطه با تهدید صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد، در رابطه با نقض فاحش حقوق بشر، خود را صالح به اقدام در درون دولت‌ها و دخالت در امور داخلی آنها (علی‌رغم بند ۷ ماده ۲ منشور) دانسته و بر همین اساس نیز اقدام به ایجاد دادگاه‌های کیفری موقت (در یوگسلاوی سابق و رواندا) کرده است که این مسئله نشان می‌دهد که دولت‌ها به‌عنوان مخاطبین اصلی شورای امنیت، نه تنها در قبال اعمال خود در قبال سایر دولت‌ها (موضوعات مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها) بلکه در قبال رفتار خود در قبال افراد (موضوع مربوط به مسئولیت کیفری

53. ICJ Press Release, 2007/8, *Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide* (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), 26/Feb/2007.

54. مواد ۵۱، ۵۲، ۱۳۱ و ۱۴۸ کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و ماده ۹۱ پروتکل اول الحاقی.

فردی) نیز در برابر شورای امنیت پاسخگو می‌باشند.

به هر حال همان‌گونه که گفته شد، دولت‌ها با مخالفت‌های شدید در برابر ایده «مسئولیت کیفری دولت‌ها» نهایتاً کمیسیون حقوق بین‌الملل را وادار کرد که از رویکرد ۱۹۸۰ خود عدول کند و ماده ۱۹ طرح را در خصوص مسئولیت دولت‌ها در قبال «جنایات بین‌المللی» و شناسایی مسئولیت کیفری دولت‌ها حذف کند اما در عین حال، مسئولیت‌های ویژه‌ای را برای دولت‌ها در برابر تعهدات خاص، مورد شناسایی قرار دادند که این مسئولیت‌ها با مسئولیت‌های بین‌المللی کلاسیک، تفاوت‌های اساسی دارند.

گفتار دوم) جلوه‌های نوینی از مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

جامعه جهانی با پشت سر گذاشتن تجربیات تلخ جنگ‌های جهانی اول و دوم، نسبت به ضرورت بسترسازی جدید در مقررات حقوق بین‌الملل به‌ویژه مقررات حقوق بشری، حقوق بشردوستانه و مقررات مرتبط با صلح و امنیت بین‌المللی متقاعد شده است. به همین دلیل در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم در حوزه حقوق بشردوستانه و حقوق بشر، تحولات بسیاری صورت پذیرفت. بر اثر تحولات مزبور، برخی از قواعد کلاسیک در حوزه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نیز دستخوش تغییر و منجر به شناسایی انواع جدیدی از مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها شد.

مفاهیم جدید مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، قواعد کلاسیک مسئولیت از جمله قواعد انتساب و مصونیت دولت‌ها را در مورد برخی مقررات خاص و عام‌الشمول حقوق بین‌الملل نادیده گرفته و انواع جدیدی از مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را شناسایی کرد که از جمله این مفاهیم جدید، «مسئولیت مشدد»^{۵۵} و «مسئولیت تضمین رعایت مقررات از سوی دیگران» و «مسئولیت همکاری» است.

بند اول) مسئولیت مشدد

تحولات پس از جنگ جهانی دوم، در نگرش به مقررات حقوق بشردوستانه، تغییرات اساسی ایجاد کرد به طوری که دولت‌ها علاوه بر مسئول شناخته شدن در برابر دولت‌های متعاقد، در صورت نقض برخی از قواعد عمومی بنیادین ناظر بر ارزش‌های اساسی، «مسئولیت مشدد» نیز پیدا می‌کردند.^{۵۶}

به دیگر سخن، این مسئولیت زمانی مطرح می‌شود که یک «تعهد عام‌الشمول»^{۵۷} در مورد ارزش‌های بنیادین جهانی (نظیر صلح، حقوق بشر، حقوق بشردوستانه) یا یک تعهد قراردادی ناظر بر همان مفاهیم (مانند کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو) وجود داشته باشد و دولت‌ها، از این تعهدات (اعم از تعهدات عرفی و

55. aggravated responsibility

۵۶. کاسسه، آنتونیو، پیشین، ص ۳۴۵.

57. erga omnes obligation

تعهدات قراردادی) تخلف نمایند. «مسئولیت مشدد دولت‌ها» در حقوق بین‌الملل بدین معنا است که تخلفات کیفری بین‌المللی در حوزه مسئولیت کیفری فردی، به دلیل غیرقانونی بودنشان در حقوق بین‌الملل (حوزه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها) در بردارنده مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نیز می‌باشد.^{۵۸} دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن، مورخ ۲ فوریه ۱۹۷۰ در رابطه با مسئولیت دولت‌ها در قبال تعهدات عام‌الشمول، چنین اعلام نظر کرد:

«در رابطه با مسئولیت‌های بین‌المللی لازم است بین تکالیفی که یک دولت در قبال جامعه بین‌المللی به طور کلی به عهده گرفته است با وظایفی که در قبال یک دولت دیگر در زمینه روابط دیپلماتیک پذیرفته، تفکیکی اساسی صورت پذیرد. تکالیف نوع اول، به اقتضای ماهیت جهان شمولی آنها، متعلق به کلیه دولت‌هاست. به عبارت دیگر با توجه به اهمیت منافی که ایفای این تکالیف برای جامعه بین‌الملل به دنبال دارد، کلیه دولت‌ها خود را در رعایت آنها ذی‌نفع می‌دانند. آنها در واقع تکالیفی هستند مربوط به همه و آثارشان نیز مترتب بر همگان می‌باشد. به عبارت دیگر، این تعهدات تکالیف «عام‌الشمول» هستند».^{۵۹}

علاوه بر این، دادگاه بین‌المللی کیفری ویژه یوگسلاوی در قضیه فروندزیا به هنگام بررسی موضوع شکنجه، به موضوع مسئولیت مشدد دولت‌ها اشاره کرده است. دادگاه مزبور پس از آن که شکنجه را به‌عنوان یک جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت توصیف نکرد، درخصوص دخالت دولت در جنایت مزبور اعلام کرد: «براساس مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی معاصر، علاوه بر مسئولیت کیفری فردی، با توجه به دخالت رسمی دولت در شکنجه و نیز کوتاهی در جلوگیری از ارتکاب این جنایت و خودداری از مجازات مرتکبین آن، مسئولیت دولت نیز در این رابطه موضوعیت می‌یابد».^{۶۰}

الزام دولت‌ها به رعایت این تعهدات به حدی است که شورای امنیت سازمان ملل نیز به‌عنوان مسئول اولیه صلح و امنیت بین‌المللی، در خصوص رعایت مقررات بنیادین حقوق بشری در داخل قلمرو کشورها، خود را محدود به قاعده «عدم مداخله در امور داخلی کشورها» (بند ۷ ماده ۲ منشور) ندانسته و همان‌گونه که در قضیه آپارتاید افریقای جنوبی صورت پذیرفت، با برداشتی مترقیانه از منشور، به ویژه اصول مربوط به حقوق بشر و مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی، علی‌رغم مخالفت افریقای جنوبی با مداخله شورای امنیت، بر اساس بند ۷ ماده ۲ منشور، خود را صالح به مداخله دانسته، انواع تحریم‌ها را علیه این کشور وضع کرد.

۵۸. کاسسه، آنتونیو، حقوق کیفری بین‌المللی، پیشین، ص ۲۳.

59. ICJ, Rep. *Barcelona Traction Light and Power Company Limited*, 1970, p. 32.

60. ICTY, *Furundzija Case No. IT-95-17/1-T*, 10 December 1998, para. 142.

تفسیر مذکور شورای امنیت از منشور بدان معنی است که این شورا علاوه بر صلاحیت اولیه در رابطه با «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی»،^{۶۱} از صلاحیت «حفظ صلح و امنیت (با تأکید بر رعایت مقررات بنیادین حقوق بشر) در داخل کشورها» نیز برخوردار است.^{۶۲}

به عبارت دیگر، عملکرد شورای امنیت نشان دهنده این نکته است که مقررات منشور، در موارد نقض مقررات عام، تمامی دولت‌ها را (اعم از دول طرف قربانی یا دیگر دول) به مثابه طرف زیان دیده در قبال نقض دولت متخلف محسوب کرده و بدین ترتیب علاوه بر «صلاحیت جهانی»، موضوع «اقدامات جمعی» برای متوقف نمودن ادامه تخلف نیز مطرح می‌شود.

در مسئولیت مشدد، خسارت مادی و معنوی، عنصر ضروری مسئولیت دولت تلقی نمی‌شود. آنچه در مورد این قاعده موضوعیت می‌یابد این نکته است که نقض یک تعهد عام، باعث می‌شود تا بین دولت متخلف و سایر دولت‌ها (یا به اقتضای مورد، تمامی دولت‌های طرف قرارداد) یک «رابطه عمومی»^{۶۳} شکل گیرد. ماهیت «رابطه عمومی» مزبور در این واقعیت نهفته است که هر دولتی، بدون توجه به این که در اثر نقض تعهد، دچار آسیب معنوی یا مادی شده است یا خیر، می‌تواند دولت متخلف را بازخواست کند.

لازم به ذکر است هم‌چنان که درخصوص «مسئولیت عادی دولت‌ها» وجود «عناصر عینی و معنوی» ضروری است، در «مسئولیت مشدد دولت‌ها» نیز احراز عناصر مزبور، اجتناب ناپذیر می‌باشد. با توجه به اینکه عامل اصلی به وجود آمدن «مسئولیت»، «نقض یک تعهد» می‌باشد، هر دو نوع مسئولیت عادی و مشدد دارای عناصر عینی و ذهنی مشترک هستند. در عین حال، مسئولیت مشدد در سه مسئله یعنی «شدت و ماهیت تعهدات بین‌المللی نقض شده، تقصیر و خسارت» با مسئولیت عادی دولت‌ها متفاوت می‌باشد.^{۶۴}

همان‌گونه که گفته شد، در مسئولیت مشدد، تعهد نقض شده باید یک «تعهد اجتماعی» باشد. بدین ترتیب به هنگام نقض یک ارزش بنیادین مانند صلح، حقوق بشر، حق تعیین سرنوشت و مقررات بنیادین محیط زیست و به طور کلی تعهدات متعلق به کل جامعه بین‌المللی، مسئولیت مشدد دولت متخلف مطرح می‌شود. در مسئولیت مشدد دولت‌ها، تمامی اعضای جامعه بین‌الملل اعم از دولت زیان دیده و دیگران در قبال دولت متخلف، به عنوان طرف‌های زیان دیده و صاحبان حق محسوب می‌شوند. گفتنی است تخلف از تعهدات فوق‌الذکر، در همه موارد، موجب مسئولیت مشدد دولت متخلف نمی‌شود بلکه این تعهدات تنها در صورت وجود «نقض شدید و برنامه‌ریزی شده» مانند تجاوز، نسل‌کشی یا رفتارهای غیرانسانی شدید، منجر

61. maintenance of international peace and security

۶۲. هرמידاس باوند، داوود، پیشین، ص ۵۰.

63. public relation

۶۴. کاسسه، آنتونیو، حقوق بین‌الملل، پیشین، ص ۳۷۴.

به طرح مسئولیت مشدد می‌شود. علاوه بر این، وجود قصد و نیت، تقصیر یا «سهل‌انگاری جدی»^{۶۵} برای احراز مسئولیت مشدد دولت متخلف ضروری است.

نکته آخر این که در مسئولیت مشدد نیز همانند مسئولیت عادی، موضوع «جبران خسارت مادی یا معنوی» جزو تفکیک ناپذیر مسئولیت دولت متخلف می‌باشد با این تفاوت که در مسئولیت مشدد، کلیه دولت‌ها، به‌عنوان «دولت‌های قربانی» مطرح هستند. بدین ترتیب اگر بر اثر نقض یک تعهد منجر به مسئولیت مشدد، به یک یا چند دولت خسارت‌های مادی و معنوی نیز تحمیل شده باشد (مانند تجاوز یا کشتار اتباع یک دولت)، دولت متخلف علاوه بر داشتن مسئولیت مشدد در برابر کل جامعه جهانی در برابر این دولت‌های خاص نیز مسئول جبران خسارت مادی و معنوی می‌باشد، ولی اگر اقدام مسئولیت‌آور دولت متخلف، موجب ورود خسارت مادی و معنوی خاصی به دولتی نشده باشد (مانند نقض حقوق بنیادین شهروندان خود)، دولت‌های دیگر، تنها متحمل «آسیب حقوقی»^{۶۶} فرض می‌شوند.^{۶۷}

با عنایت به این که در مسئولیت مشدد، تمامی دولت‌ها (اعم از دولت یا دولت‌های متضرر و سایرین)، به‌عنوان طرف‌های قربانی نقض تعهدات از سوی دولت متخلف محسوب می‌شوند، کمیسیون حقوق بین‌الملل در پیش‌نویس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱)، تعهدات سایر دولت‌ها در قبال دولت متخلف را بیان کرده است. از جمله این تکالیف عبارتند از:^{۶۸}

- خودداری از به رسمیت شناختن وضعیت ناشی از تخلف بین‌المللی؛
 - خودداری از مساعدت به دولت متخلف در حفظ وضعیت به وجود آمده از تخلف بین‌المللی؛
 - همکاری جهت خاتمه و توقف تخلف بین‌المللی.
- همچنین براساس این طرح، کلیه دولت‌ها (بجز دولت متخلف)، در قبال تخلف صورت پذیرفته دارای حقوق و اختیارات زیر می‌باشند:
- استناد به مسئولیت مشدد دولت متخلف و اعلام این موضوع به دولت مزبور؛
 - درخواست توقف تخلف و تضمین عدم تکرار آن؛
 - درخواست جبران خسارت متناسب با ماهیت تخلف (در صورتی که تخلف مزبور، خسارت مادی و معنوی خاصی به دولت یا دولت‌هایی وارد آورده باشد)؛
 - درخواست از نهادهای صلاحیت‌دار بین‌المللی جهت توقف ادامه تخلف؛
 - اقدام فردی یا جمعی در برابر تخلف (در صورت عدم اقدام سازمان‌های صلاحیت‌دار بین‌المللی یا

65. *culpa gravis*

66. *legal injury*

۶۷. آنتونیو کاسسه، پیشین، ص ۳۷۶.

۶۸. پیشین، ص ۳۷۹.

ناکافی بودن آن اقدامات):^{۶۹}

- اقدام به دفاع از خود (در موارد تجاوز مسلحانه).

گفتنی است حقوق و اختیارات فوق‌الذکر دولت‌ها، نافه اختیارات شورای امنیت سازمان ملل نبوده و این شورا در هر مقطعی صلاحیت ورود به موضوع و اتخاذ تصمیم در قالب فصل شش یا هفت منشور جهت توقف تخلف فاحش بین‌المللی را دارد. بر همین اساس، شورای امنیت تحریم‌هایی علیه رودزبای جنوبی، افریقای جنوبی (۱۹۸۶)، عراق (۱۹۹۰-۱۹۹۱)، لیبی (۱۹۹۲-۱۹۹۹)، لیبیا (۱۹۹۳-۱۹۹۴) و هاییتی (۱۹۹۳) وضع کرد.

همان طور که ذکر شد، «مسئولیت مشدد» در صورت نقض تعهدات بین‌المللی در برابر «کل جامعه بین‌المللی» به وجود می‌آید. این تعهدات کلی می‌توانند در قالب «تعهدات عام» عرفی و یا «تعهدات قراردادی حاوی مقررات عام» باشند. تعهدات قراردادی چند جانبه مزبور دارای همان ارزش‌های اساسی بین‌المللی، خصوصاً در زمینه صلح و حقوق بشر بوده و نقض آنها نیز موجب ایجاد مسئولیت مشدد می‌شود. از جمله این تعهدات قراردادی چند جانبه می‌توان به کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو، میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد و اساسنامه دیوان‌های بین‌المللی کیفری اشاره کرد. مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، به دلیل برخورداری از ویژگی‌های حقوق بشر دوستانه، «تعهدی در برابر کل جامعه بین‌المللی» به شمار می‌روند^{۷۰} و بدین ترتیب به هنگام نقض آنها، دولت متخلف در قبال کل دولت‌های متعاقد و (به دلیل عرفی بودن مقررات این کنوانسیون‌ها)^{۷۱} حتی در قبال کل جامعه بین‌المللی (اعم از دولت‌های عضو و غیرعضو) مسئولیت مشدد دارد. کنوانسیون‌های ژنو، دو ساز و کار اصلی را برای اجرای مسئولیت دولت یا دولت‌های متخلف، پیش‌بینی کرده است.^{۷۲} بر اساس ماده ۱ مشترک، همه دولت‌های متعاقد، ملزم هستند که مقررات این کنوانسیون‌ها را «تحت هر شرایط» رعایت کنند. تعهد ذکر شده در ماده ۱ مشترک به معنای آن است که اولاً هر دولت متعاهدی ملزم است از دول متعاقد دیگر درخواست کند که تعهدات کنوانسیون خود را رعایت کنند و ثانیاً به هر دولتی اجازه می‌دهد که خواستار توقف تخلف جدی از این کنوانسیون و مجازات مجرمان آن شود. تصریح این ماده بر لزوم رعایت مقررات این کنوانسیون‌ها «تحت هر شرایط»، به معنای تعهد دولت‌ها به خودداری از انجام عمل متقابل در برابر نقض تعهد از سوی طرف متخلف است. سازوکار دوم پیش‌بینی شده توسط کنوانسیون‌های ژنو جهت اعمال مسئولیت دولت‌های متخلف،

۶۹. اقدامات یک‌جانبه ایالات متحده در برقراری تحریم‌های اقتصادی در سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۸۱ در واکنش به دخالت اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان از نمونه‌های استفاده از این حق است.

70. ICTY, *Kupreskic and Others*, Trial Chamber, 14/Jan/2000, Case No. IT-95-16-T.

71. ICJ, *Nicaragua v. United States of America*, Judgment of 27 June 1986, Judgment of 27 June 1986 at 114, para. 220.

۷۲. کاسسه، آنتونیو، پیشین، ص ۳۸۶.

پی‌گیری موضوع مسئولیت بین‌المللی طرف متخلف از مجرای سازوکارهای بین‌المللی و استناد به مسئولیت بین‌المللی طرف متخلف براساس مواد ۵۲، ۱۳۱، ۱۴۸ و ۵۱ کنوانسیون‌های اول تا چهارم ژنو می‌باشد. در سطح ملی نیز، هر دولتی مکلف است تا ضمن جرم انگاری تخلفات شدید از کنوانسیون‌های مزبور (تعهد به جرم انگاری)، افراد متهم به نقض این مقررات را محاکمه (تعهد به محاکمه) و مجازات یا به دولت متعهد ذی‌نفع، مسترد نماید. (مواد ۱۲۹، ۱۴۶، ۴۹، ۵۰ کنوانسیون‌های اول تا چهارم). بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که تعهد به جستجو، تعقیب، محاکمه یا استرداد مقامات دولتی (یا نهادهای اجرایی) متهم به ارتکاب تخلفات شدید ممکن است به‌عنوان راهی در جهت تحقق مسئولیت مشدد یک دولت تلقی شود.^{۷۳}

ميثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد نیز همانند سایر اسناد بین‌المللی حقوق بشری، مفهوم مسئولیت مشدد را به هر گونه تخلف از این میثاق تعمیم داده است. بر همین اساس هر دولت عضو میثاق، مجاز است از دولت متخلف بخواهد تا به نقض تعهدات خود پایان بخشد. به بیان دیگر، هر دولت عضو در رعایت مقررات این میثاق در برابر سایر طرف‌های متعاقد، متعهد می‌باشد.

علاوه بر این، آرای دادگاه‌های بین‌المللی کیفری نیز مؤید رژیم مسئولیت مشدد هستند. دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا، به دلیل کسب صلاحیت خود از قطعنامه‌های شورای امنیت، رژیم مسئولیت آور خاصی دارند در حالی که دیوان بین‌المللی کیفری به دلیل منشأ اساسنامه‌ای خود صرفاً دارای قدرت الزام آور در قبال دولت‌های عضو است. شعبه استیناف دادگاه بین‌المللی کیفری ویژه یوگسلاوی در قضیه بلاسکیچ اعلام کرد که ماده ۲۹ اساسنامه دادگاه، که تعهد همکاری با دادگاه را به همه دولت‌ها تحمیل می‌نماید، متضمن تعهدات عام است.^{۷۴} با این بیان، با توجه به منشأ سازمان مللی دادگاه بین‌المللی کیفری ویژه یوگسلاوی، هر دولت عضو سازمان ملل متحد، دارای منفعت قانونی در اجرای تعهدی است که در ماده ۲۹ اساسنامه دادگاه لحاظ شده این «منفعت قانونی فراگیر» موجد «مسئولیت مشدد» است. ماده ۲۹ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری ویژه یوگسلاوی که عیناً در ماده ۲۸ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری ویژه رواندا نیز تکرار شده و دارای همان بار حقوقی و گویای مسئولیت مشدد است، قرینه فصل نهم اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری است.

در این فصل (مواد ۸۶ الی ۱۰۲ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری)، مقررات مربوط به همکاری دولت‌ها در اجرای تصمیمات اتخاذ شده توسط دیوان ذکر شده است اما با عنایت به ابتدای این اساسنامه بر حقوق قراردادی و اصل ارادی بودن تعهدات، بر اساس قاعده «نسبی بودن تعهدات قراردادی»^{۷۵} مصرح در ماده ۳۴ کنوانسیون

۷۳. پیشین، ص ۳۸۷.

74. ICTY, *Blaskic Case*, Judgment, 29/oct/1997, para. 26.

75. *res inter alios acta nec nocere nec prodesse potes*

جنبه‌های گوناگون «مسئولیت» در حقوق بین‌الملل کیفری ❖ ۲۴۵

۱۹۶۹ حقوق معاهدات، تعهدات مندرج در این اساسنامه از جمله تعهدات مربوط به فصل نهم آن، محدود به «دول عضو دیوان»^{۷۶} است و تنها استثنای موجود در این زمینه که می‌توان از تعهد به همکاری «کلیه دولت‌ها»^{۷۷} سخن گفت، موارد مشمول بند ۲ ماده ۱۳ اساسنامه (ارجاع وضعیت از طرف شورای امنیت به دیوان) می‌باشد. یادآوری این نکته ضروری است که مطرح شدن مسئولیت مشدد دولت‌ها به هنگام نقض مقررات حقوق بین‌الملل کیفری، نافی طرح مسئولیت کیفری فردی نیست. نمونه این امر در قضیه نسل‌کشی (۲۰۰۱) اتفاق افتاد. در این قضیه، پرونده رسیدگی در دو دیوان مطرح شد. پرونده نخست در مورد اقدام به نسل‌کشی ناظر بر مسئولیت کیفری فردی در دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق^{۷۸} و دعوای دوم، در مورد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در دیوان بین‌الملل دادگستری و بر اساس شکایت بوسنی و هرزگوین علیه جمهوری فدرال یوگسلاوی مطرح شد.^{۷۹}

بند دوم) مسئولیت دولت‌ها در رعایت و تضمین رعایت مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه

براساس قاعده عرفی شناخته شده، هر یک از طرف‌های درگیر باید حقوق بین‌الملل بشردوستانه را از طریق نیروهای مسلح یا تحت نظارت خود و یا دیگر اشخاص و گروه‌هایی که در واقع تحت امر یا طبق دستورات یا کنترل آن عمل می‌کنند، رعایت کرده و رعایت آن را تضمین نیز کنند.^{۸۰} «تعهد به رعایت» مقررات حقوق بشردوستانه، ویژه رفتار دولت‌ها بوده و «تعهد به تضمین رعایت» تعهد دولت‌ها در واداشتن دیگران به رعایت این مقررات است.

تعهد به تضمین رعایت مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی از سوی سایر دولت‌ها، نتیجه مستقیم «همکاری دولت‌ها» است. علاوه بر کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، دستورالعمل‌های نظامی بسیاری کشورها نیز دربر دارنده مقررات ناظر بر تعهد به «تضمین رعایت» حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند.^{۸۱} رویه سازمان‌های بین‌المللی،^{۸۲} کنفرانس‌های بین‌المللی^{۸۳} و رویه قضائی بین‌المللی^{۸۴} نیز این تعهد را مورد تأیید

76. state parties

77. all states

78. به‌عنوان نمونه، حکم قضیه کرسٹیچ مورخ ۲۰ اوت ۲۰۰۱، کیفرخواست علیه میلوسویچ در تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۰۱ و ۲۲ نوامبر ۲۰۰۱ و نیز کیفرخواست اصلاحی علیه کارادیچ مورخ ۲۸ آوریل ۲۰۰۰.

79. ICJ, *Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro)*, Press Release, 2007/8, (26/Feb/2007).

۸۰. هنکرتز، ژان ماری، و لوئیس دوسوالدیک، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی*، ترجمه: دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، جلد اول، قاعده ۱۳۹، انتشارات مجد، ۱۳۸۸، ص ۷۰۰.

۸۱. ر.ک: دستورالعمل‌های نظامی آرزانتین، استرالیا، بلژیک، فرانسه، آلمان، هلند، نیوزیلند، نیجریه، فیلیپین، روسیه، اسپانیا، سوئیس، بریتانیا، ایالات متحده امریکا.

۸۲. ر.ک:

قرار می‌دهد. وجود تعهد به «تضمین رعایت» یکی از ویژگی‌های حقوق بشردوستانه و وجه تمایز این مقررات از سایر مقررات تحت صلاحیت حقوق بین‌الملل کیفری است. وجود تعهد دوگانه «مسئولیت اجرا» و «مسئولیت تضمین اجرا» در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، نتیجه ضرورت رعایت این مقررات در هر شرایط، و پیشگیری از هر گونه توجیه جهت مغفول گذاشتن این دسته از مقررات بین‌المللی است.

در حالی که «تعهد به اجرای مقررات بشردوستانه» در بردارنده «مسئولیت شخصی» (اعم از دولتی یا فردی) جهت اجرای مقررات است، «تضمین رعایت مقررات بشردوستانه»، تعهدی است که بر اساس آن، دولت‌ها مسئولیت دارند که نسبت به عدم رعایت این مقررات از سوی سایر دولت‌ها واکنش نشان دهند. ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو، تعهدات دولت‌ها در رعایت مقررات حقوق بشردوستانه را آنچنان بسط داده که بتواند موضوع «تعهد به تضمین رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه» را نیز شامل شود. این تعهد علاوه بر ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو، در پروتکل الحاقی اول نیز منعکس شده است.^{۸۵} پروتکل اول الحاقی به علاوه مقرر می‌دارد که در صورت نقض جدی این پروتکل، دولت‌های درگیر متعهدند که منفرداً یا متفقاً در چارچوب منشور سازمان ملل متحد با این سازمان همکاری کنند.^{۸۶} مقررات مشابهی نیز در پروتکل دوم کنوانسیون لاهه در مورد حمایت از اموال فرهنگی گنجانده شده است.^{۸۷}

در واقع، «تعهد به تضمین رعایت حقوق بشردوستانه»، نوع ویژه‌ای از تعهدات دولت‌ها در حقوق بین‌الملل است که بر اساس آن دولت‌ها نه تنها در قبال اعمال خود، بلکه نسبت به رفتار دیگران نیز تعهداتی را

UN.S/Res, 822.30/Apr/1993(Azerbaijan-Armenia); UN.S/Res,853,29/July/1993 (Azerbaijan-Armenia);G.A.Res, 2677(XXV), Respect for human rights in armed conflicts, 9/Dec/1970; G.A.Res, 2852(XXVI), Respect for human rights in armed conflicts,20/Dec/1971; A/RES/2853(XXVI), Respect for human rights in armed conflicts, 20 Dec. 1971.

۸۳. ر.ک:

International Conference of the Red Cross, 25th International Conference, (Geneva 1986); International Conference of the Red Cross, VI of the 24th, (Manila, 1981); Conference for Security and Co-operation in Europe, Towards a Genuine Partnership in New era, Summit, Budapest, 5-6 December 1994, Budapest Document, 1994; Final declaration of the International Conference for the Protection of War Victims, Geneva, August 30- September 1, 1993.

۸۴. ر.ک:

ICJ, *Armed Activities on the Territory of the Congo* (Democratic Republic of the Congo v. Rwanda) Request for the Indication of Provisional Measures (Order of 10 July 2002).

85. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol 1), Art.1, para.1.

86. *Ibid.*, Art. 89.

87. Second Protocol to the Hague Convention of 1954 for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict 1999, Art. 31.

❖ ۲۴۷ جنبه‌های گوناگون «مسئولیت» در حقوق بین‌الملل کیفری

می‌پذیرند. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن، تعهدات ناشی از اعمال غیرقانونی تجاوز و نسل‌کشی و نیز قواعد مربوط به حقوق اساسی بشر، شامل ممنوعیت بردگی و تبعیض نژادی را در زمره تعهدات در مقابل جامعه بین‌المللی (تعهدات عام) شناخت.^{۸۸} در تعهد به تضمین رعایت مقررات بشردوستانه، دولت‌ها نه تنها خود متعهد به رعایت این مقررات هستند بلکه تعهداتی را جهت ایجاد بسترهای مناسب برای اجرای مقررات مزبور توسط دیگران و نیز مقابله با دولت‌های متخلف، بر عهده می‌گیرند. دلیل این توجه و اهمیت خاص حقوق بین‌الملل به حقوق بشردوستانه بین‌المللی را باید در ویژگی‌های قواعد مندرج در متن این مقررات جست. این ویژگی‌ها، آنها را به صورت قواعدی تخلف‌ناپذیر و تحت هر شرایطی لازم‌الاجرا، جهان‌شمول، واجد پذیرش عام و مؤثر بر منافع کل جامعه بین‌المللی درآورده است.^{۸۹} از منظر مسئولیت بین‌المللی، تعهد به تضمین رعایت مقررات بشردوستانه بین‌المللی، در حقیقت پلی است میان مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و مسئولیت کیفری فردی.

نظام حقوق بین‌الملل، علی‌رغم فراز و نشیب‌های فراوان، تا کنون نتوانسته «مسئولیت کیفری دولت‌ها» را شناسایی کند و از سوی دیگر، برخی جرائم تحت صلاحیت حقوق بین‌الملل کیفری (مانند جنایت علیه صلح، تجاوز، نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت)، بدون حمایت و پشتیبانی دولت‌ها امکان ارتکاب نمی‌یابند. بنابراین، تعهد به تضمین موجود در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، با ایجاد ارتباط میان مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و مقررات حقوق بشردوستانه ناظر بر تخلفات احتمالی در حین مداخلات مسلحانه (با مباشرت افراد)، کاستی موجود در حقوق بین‌الملل کیفری را به نحوی جبران و مقرر کرده است که دولت‌ها نه تنها خود متعهد به رعایت مقررات حقوق بشردوستانه هستند بلکه تعهدی مضاعف نسبت به تضمین رعایت این مقررات توسط دیگران نیز دارند.

براساس تعهد به تضمین رعایت حقوق بشردوستانه، آن تخلف از هر یک از قواعد حقوقی حاکم بر جنگ از سوی هر یک از متخاصمین، علاوه بر طرف یا طرف‌های دیگر درگیری، فرد فرد اعضای جامعه بین‌المللی را نیز محق و بلکه متعهد می‌سازد تا در برابر تخلف مزبور واکنش نشان داده، متخلف را از ادامه یا تکرار آن بازداشته و به پایبند ماندن به تعهدات بشردوستانه ترغیب کنند. این نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل از میان تمامی قواعد حقوقی حاکم بر روابط میان دولتی، به ضمانت و قطعیت اجرای حقوق بین‌المللی بشردوستانه، التفاتی خاص داشته است.

ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه، دولت‌های عضو این کنوانسیون‌ها را متعهد ساخته که نه تنها

۸۸. ر.ک: رأی ICJ در قضیه بارسلونا تراکشن، پیشین، بند ۳۳؛ همچنین: والاس، ربکا، *حقوق بین‌الملل*، ترجمه و تحقیق: قاسم زمانی و مهناز بهراملو، ویرایش دوم، شهر دانش، ۱۳۸۷، ص ۲۴۴.

۸۹. صابری، هنگامه، (به نقل از تقریرات دکتر جمشید ممتاز)، *ضمانت اجرا در حقوق بشردوستانه*، تعهد دولت‌ها در ترغیب یکدیگر به رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۸۵.

مفاد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو را رعایت کنند بلکه سایرین را نیز ملزم به رعایت نمایند. با توجه به ابهام مشهود این ماده، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تفسیر ۱۹۵۶ خود از ماده مزبور، این ماده را به معنای تعهد «دولت‌های غیرمتخاصم» جهت الزام رعایت مفاد این کنوانسیون‌ها توسط دول متخاصم دانست. این تفسیر کمیته با هیچ اعتراضی مواجه نشده و علاوه بر آن از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد در ارتباط با شهرک‌سازی توسط اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی در قطعنامه ۴۶۵ و ۶۸۱ مورد تأیید قرار گرفت. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه نیکاراگوئه و نظر مشورتی دیوار حائل بر وجود این تعهد تأکید کرده است. بنابراین می‌توان این مفهوم ماده ۱ مشترک در خصوص «تعهد به تضمین رعایت حقوق بشردوستانه» را مفهومی پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل دانست.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ابتدا در تفسیر ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و پس از آن نیز مکرراً اعلام کرده است که «تعهد به تضمین رعایت حقوق بشردوستانه، صرفاً به رفتار طرفین درگیر در مخاصمه محدود نمی‌شود بلکه این الزام را نیز شامل می‌شود که دولت‌ها باید همه توان خود را برای تضمین رعایت جهانی حقوق بین‌الملل بشردوستانه به کار بندند».^{۹۰}

این تفسیر که تعهدات موضوع ماده ۱ مشترک را فراتر از الزام طرف‌های درگیر در مخاصمه می‌داند از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه‌ای که در سال ۱۹۹۰ به تصویب رسانید، مورد تأیید واقع شده است. شورا در قطعنامه ۶۸۱ از دولت‌های عضو کنوانسیون چهارم ژنو می‌خواهد تا الزام رژیم اشغالگر قدس به رعایت تعهداتش بر طبق ماده ۱ کنوانسیون را تضمین کنند.

در کنفرانس‌های بین‌المللی نیز به همین نحو از دولت‌ها خواسته شده است که رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه را تضمین کنند. در سال ۱۹۶۸، در کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر در تهران، قطعنامه‌ای تصویب شد که در آن تصریح شده بود: «دولت‌های عضو کنوانسیون‌های ژنو، حتی اگر خودشان نیز مستقیماً درگیر در مخاصمه مسلحانه نبوده‌اند، در برخی موارد نتوانسته‌اند به مسئولیت خود نسبت به تضمین رعایت قواعد بشردوستانه در تمامی اوضاع و احوال از سوی دولت‌های دیگر عمل کنند».^{۹۱}

در بیانیه نهایی که از سوی «کنفرانس بین‌المللی حمایت از قربانیان جنگ» در سال ۱۹۹۳ صادر شد، شرکت‌کنندگان متعهد شدند با «سازمان ملل متحد و طبق منشور در جهت پیروی کامل از حقوق بشردوستانه در جلوگیری از جنایت نسل‌کشی و دیگر موارد نقض جدی این مقررات، همکاری کنند» و بر مسئولیت خود «طبق ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو در خصوص رعایت و تضمین رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه به منظور حمایت از قربانیان جنگ» تأکید کردند. این دولت‌ها همچنین از دیگر دولت‌ها

90. Jean S. Pictet (ed.), *Commentary on the Third Geneva Convention*, ICRC, Geneva, 1960, p. 18; Yves Sandoz, Christophe Swinarski, Bruno Zimmermann (eds.), *Commentary on the Additional Protocols*, ICRC, Geneva, 1987, p. 45.

91. International Conference for Human Rights, Tehran, 23 April - 13 May 1968, Res. XXIII.

خواستند تا همه تلاش خود را برای «تضمین اثربخشی حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌کار بندند و براساس مقررات این حقوق و با هدف پایان دادن به این تخلفات، علیه دولتهایی که مسئول نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند، اقدام قاطع اتخاذ کنند».^{۹۲}

علاوه بر این، کنفرانس دولتهای عضو کنوانسیون چهارم ژنو در سال ۲۰۰۱ نیز از طرحهای ابتکاری فردی و جمعی دولتها با هدف تضمین رعایت مفاد این کنوانسیون استقبال کرده و آن را مورد تشویق قرار داد.^{۹۳} مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در این راستا، چندین قطعنامه را به تصویب رسانده است.^{۹۴} سازمانهای بین‌المللی دیگر خصوصاً اتحادیه اروپا، ناتو، اتحادیه افریقا و سازمان دولتهای امریکایی نیز به همین نحو از دولتهای عضو خواسته‌اند تا رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه را تضمین کنند.^{۹۵} رویه بین‌المللی نشان می‌دهد که تعهد دولتهای ثالث، درخصوص تضمین حقوق بین‌الملل بشردوستانه تنها به اجرای مقررات معاهده‌ای ماده ۱ مشترک کنوانسیونهای ژنو و بند یک ماده ۱ پروتکل اول الحاقی محدود نمی‌شود.

به‌عنوان نمونه، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در رابطه با درگیری‌ها در رودزیا (زیمباوه) در سال ۱۹۷۹ و جنگ ایران و عراق در سالهای ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ خواستار تضمین رعایت قواعدی بود که در کنوانسیونهای ژنو موجود نبوده و صرفاً در پروتکل‌های الحاقی (بمباران مناطق غیرنظامی و حملات کورکورانه) ذکر شده بودند. این در حالی بود که دولتهایی که ادعا می‌شد مرتکب این گونه نقض‌ها می‌شوند، عضو پروتکل‌ها نبوده و در عین حال هیچ دولتی نیز به این موضوع اعتراض نکرده و حتی دولتهای غیر عضو پروتکل‌های الحاقی از این مسئله حمایت می‌کردند.^{۹۶}

دولتها در پرتو تعهد به تضمین رعایت مقررات بشردوستانه بین‌المللی، دو نوع تعهد ایجابی و سلبی دارند. درخصوص تعهد ایجابی که در بحث تعهد به رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه وجود دارد، این توافق مطرح

92. Final declaration of the International Conference for the Protection of War Victims, 01-09-1993, Geneva, August 30 - September 1, 1993.

93. Conference of High Contracting Parties to the Fourth Geneva Convention; Declaration, Geneva, 5 December 2001.

94. See: A/RES/32/91C, Report of the Special Committee to Investigate Israeli Practices Affecting the Human Rights of the Occupied Territories, 13 Dec. 1977; A/RES/37/123, 16 Dec. 1982, The situation in the Middle East; A/RES/43/21, 3 Nov. 1988, The Uprising (Intifadah) of the Palestinian People.

۹۵. ر.ک.:

Council of European Parliamentary Assembly, Resolution No. 823 (1984), on the activities of the International Committee of the Red Cross (ICRC); Council of European Parliamentary Assembly Resolution No. 881/2002, imposing certain specific restrictive measures directed against certain persons and entities associated with Osama bin Laden, the Al-Qaida network and the Taliban, 27 May 2002.

96. ICRC, *The ICRC appeals to governments: its work halted in Iran*, Press Release No.1498, 23 November 1984.

است که همه دولت‌ها حق دارند رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه را از سوی دولت‌های درگیر در هر نوع مخاصمه‌ای مطالبه کنند. شعبه رسیدگی‌کننده دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در احکام خود در قضیه فروندزیرجا^{۹۷} در سال ۱۹۹۸ و کوپرسکیچ^{۹۸} در سال ۲۰۰۰ اظهار داشت که معیارهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه، قواعد عام‌الشمول جهانی^{۹۹} هستند. بنابراین کلیه دولت‌ها در رعایت این قوانین از «منافع حقوقی» برخوردارند و در نتیجه حق دارند که رعایت آن را خواستار شوند. در این رابطه، رویه دولت‌ها نشان دهنده استفاده گسترده از «اعتراض دیپلماتیک» یا «اقدامات جمعی» است که از طریق آن، دولت‌ها حتی‌المقدور از نفوذ خود برای متوقف ساختن نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه استفاده می‌کنند.^{۱۰۰}

بند سوم) مسئولیت دولت‌ها در همکاری با دیگر دولت‌ها در تعقیب و محاکمه جنایتکاران بین‌المللی

براساس این تعهد، دولت‌ها نه تنها قادر به اعمال صلاحیت جهانی نسبت به جرائم فاحش بین‌المللی هستند، بلکه در برخی موارد دارای «تعهد به اعمال صلاحیت» مزبور و اعطای صلاحیت رسیدگی به محاکم داخلی خود نیز می‌باشند.

این نوع تعهد به اعمال صلاحیت جهانی در برخورد با جنایات بین‌المللی به‌عنوان یکی از مصادیق اصلی همکاری بین‌المللی دولت‌ها است. وجود «حق» دولت‌ها برای اعطای صلاحیت جهانی به دادگاه‌های داخلی جهت رسیدگی به جنایات جنگی به هیچ وجه، تعهد دولت‌های عضو کنوانسیون‌های ژنو و دولت‌های عضو پروتکل اول الحاقی را در خصوص تقنین این مقررات در قوانین داخلی خود برای رسیدگی به آن دسته از جنایات جنگی که به‌عنوان نقض فاحش شناخته شده‌اند، نفی نمی‌کند. به همین دلیل بسیاری از دولت‌ها در قوانین خود به این تعهد اثر قانونی بخشیده^{۱۰۱} و برخی جنایتکاران جنگی به دلیل نقض فاحش و بر مبنای صلاحیت جهانی تحت تعقیب قرار گرفته‌اند.^{۱۰۲}

طبق مقدمه اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری «هر دولتی وظیفه دارد صلاحیت کیفری خود را در مورد کسانی که مسئول جنایات بین‌المللی هستند اعمال کند». کنوانسیون‌های ژنو در این رابطه از دولت‌ها می‌خواهند اشخاصی را که ادعا می‌شود مرتکب نقض‌های فاحش شده یا دستور به ارتکاب نقض‌های فاحش

97. ICTY, *Frundzija*, Trial Chamber II, Judgment of 10 December 1998, Case No. IT-95-17/1-T.

98. ICTY, *Kupreskic and Others*, Trial Chamber, 14/Jan/2000, Case No. IT-95-16-T.

99. *erga omnes*

100. Annual Report of International Committee of the Red Cross, No. 298, January-February 1994, p. 9.

۱۰۱. ر.ک: قانون استرالیا، اتریش، جمهوری آذربایجان، بنگلادش، بلاروس، بلژیک، قبرس.

۱۰۲. ر.ک: دانمارک، دادگاه عالی، پرونده Saric؛ آلمان، دادگاه عالی باواریا، پرونده Djajic؛ آلمان، دادگاه عالی منطقه‌ای دوسلدورف، پرونده Jorgic.

داده‌اند مورد تعقیب قرار دهند.^{۱۰۳} علاوه بر کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل اول الحاقی، تعدادی از معاهدات دیگر نیز دولت‌های عضو را به اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با بعضی جنایات، از جمله آن دسته از جنایاتی که هنگام درگیری‌های مسلحانه به وقوع می‌پیوندند، ملزم کرده‌اند.^{۱۰۴}

قاعده عرفی تعهد دولت‌ها به تحقیق در مورد نقض‌های فاحش و در ارتباط با مظنونین به ارتکاب این نقض‌ها در دستورالعمل‌های متعدد نظامی نیز منعکس شده اما به‌طور کلی این موضوع در مورد جنایات جنگی به شکل گسترده‌تری مطرح شده است.^{۱۰۵}

بیشتر دولت‌ها الزام به تحقیق در مورد جنایات جنگی و تحت پیگرد قرار دادن مظنونین را از طریق اعطای صلاحیت به محاکم داخلی خود به اجرا گذارده و بدین ترتیب، تحقیق و تعقیب‌های داخلی بی‌شماری را در مورد مظنونین و جنایتکاران جنگی به انجام رسانده‌اند.^{۱۰۶}

تعهد به تحقیق در مورد جنایات جنگی و تعقیب مظنونین به مناسبت‌های مختلف از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد در رابطه با حملات صورت گرفته علیه پرسنل حافظ صلح و در رابطه با جنایات ارتكابی در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی در افغانستان، برون‌دی، جمهوری دموکراتیک کنگو، کوزوو و رواندا مورد تأیید قرار گرفته است.^{۱۰۷}

در سال ۱۹۴۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اولین نشست خود پیشنهاد کرد که کلیه دولت‌ها از جمله آنهایی که عضو سازمان ملل متحد نیستند، اشخاصی را که ادعا می‌شود در جنگ جهانی دوم مرتکب جنایات جنگی شده‌اند دستگیر کرده، برای محاکمه به دولتی که جنایات در آن صورت گرفته است تحویل دهند.^{۱۰۸} از آن زمان به بعد مجمع عمومی به مناسبت‌های مختلف، بر تعهد دولت‌ها به اتخاذ اقداماتی جهت تضمین انجام تحقیق در مورد جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت و مجازات مرتکبین آنها تأکید کرده است.^{۱۰۹} در مورد خشونت‌های جنسی، در جریان درگیری‌های مسلحانه، مجمع عمومی سازمان ملل متحد،

۱۰۳. ماده ۴۹ کنوانسیون اول، ماده ۵۰ کنوانسیون دوم، ماده ۱۲۹ کنوانسیون سوم و ماده ۱۶ کنوانسیون چهارم ژنو.

۱۰۴. ماده ۶ کنوانسیون نسل‌کشی، ماده ۲۸ کنوانسیون لاهه راجع به حمایت از اموال فرهنگی، مواد ۱۵ تا ۱۷ دومین پروتکل همان کنوانسیون، مواد ۵ و ۷ کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴)، بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی (۱۹۹۳)، ماده ۱۴ پروتکل اصلاحی دوم کنوانسیون منع استفاده از برخی سلاح‌های متعارف (۱۹۸۰)، ماده ۹ کنوانسیون ضد مین اتاوا (۱۹۹۷)، ماده ۴ کنوانسیون امریکایی در مورد ناپدیدشدگان اجباری، ماده ۱۰ کنوانسیون راجع به ایمنی پرسنل سازمان ملل متحد.

۱۰۵. ر.ک: دستورالعمل‌های نظامی استرالیا، کامرون، کانادا، آلمان، ایتالیا، هلند، سوئیس، انگلستان و ایالات متحده.

۱۰۶. ر.ک: رویه الجزایر، آلمان، ایتالیا، آفریقای جنوبی، انگلستان، ایالات متحده و یوگسلاوی.

107. UN. S/Res/1199, on the situation in Kosovo (FRY) 23 September 1998; UN.S/Res/1193, on the situation in Afghanistan, 28 August 1998; UN.S/Res, 978 (1995), 27 February 1995, (Issue of Rwanda), Extradition and punishment of war criminals, 194.

108. G.A.Res, 3(I), Extradition and punishment of war criminals, 1946.

109. G.A.Res, 2840(XXVI), Question of the punishment of war criminals and of persons who have committed

چندین قطعنامه در مورد دعوت از دولت‌ها برای تقویت ساز و کار تحقیق و مجازات کلیه افراد مسئول ارتکاب خشونت‌های جنسی و محاکمه مرتکبین را بالاجماع به تصویب رساند.^{۱۱۰}

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل نیز در چندین قطعنامه که بیشتر آنها به صورت «اجماعی»^{۱۱۱} به تصویب رسیده‌اند، تعقیب و محاکمه اشخاص مظنون به ارتکاب موارد نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه در جریان درگیری‌های برون‌دیی، چچن، رواندا، سیرالئون، سودان و یوگسلاوی سابق را خواستار شده است.^{۱۱۲} در سال ۲۰۰۲، در قطعنامه‌ای در مورد عفو، کمیسیون تشخیص داد که اشخاص مظنون به ارتکاب جنایات جنگی باید یا محاکمه یا مسترد شوند.^{۱۱۳}

در رابطه با جنایات ارتکاب یافته در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی، علی‌رغم این‌که دولت‌های بسیاری مبادرت به اعلام عفو عمومی در مورد جنایات جنگی کرده‌اند این اقدام از سوی دادگاه‌های داخلی آنان یا از سوی دادگاه‌های منطقه‌ای، غیرقانونی اعلام شده و از سوی جامعه بین‌الملل نیز مورد انتقاد قرار گرفته است.^{۱۱۴}

علاوه بر تکلیف دولت‌ها در همکاری با جامعه جهانی و تقنین مقررات لازم جهت محاکمه مجرمان بین‌المللی، برخی از دیگر مقررات بین‌المللی (بدون تحمیل الزام به همکاری دولت‌ها)، آنها را قادر به اعمال صلاحیت جهانی کرده‌اند. ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، جنایات جنگی را در میان سایر موارد، به‌عنوان «نقض جدی حقوق و عرف قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی» و همچنین «نقض

crimes against humanity, 18/Dec/1971; G.A.Res.,2583(XXIV), Question of the punishment of war criminals and of persons who have committed crimes against humanity, 15/Dec/1969; G.A.Res.3074(XXVIII), Principles of international co-operation in the detection, arrest, extradition and punishment of persons guilty of war crimes and crimes against humanity, 3/Dec/1973; A/RES/2712(XXV) Question of the punishment of war criminals and of persons who have committed crimes against humanity.

110. A/RES/52/107, 12 Dec. 1997, Children's rights (I-VIII); A/RES/52/192, 18 Dec. 1997, Follow-up to the UN Conference on Human Settlements (Habitat II) and the future role of the Commission on Human Settlements; A/RES/51/77, 12 Dec. 1996, The rights of the child.

111. Consensus

112. UNHCHR. Res.1996/76, Situation of human rights in Rwanda; UNHCHR.Res.1995/77, Situation of human rights in the Sudan, U.N. Doc. E/CN.4/1995/77 (1995); UNHCHR.Res.1995/91, Situation of human rights in Rwanda; UNHCHR.Res., 2000/58, Situation in the Republic of Chechenya of the Russian Federation - 25 April 2000;

113. E/CN.4/2002/79, (Fifty-eighth Session of the Commission on Human Rights 2002), Civil and Political Rights, Including the Questions of: Disappearances and Summary Executions, Question of enforced or involuntary disappearances, Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances Executive summary, 18 January 2002.

۱۱۴. ر.ک: دادگاه فدرال آرژانتین در پرونده Cavallo، دادگاه عالی شیلی در پرونده Saavedra، دیوان عالی کیفری اسپانیا در پرونده پینوشه.

جنبه‌های گوناگون «مسئولیت» در حقوق بین‌الملل کیفری ❖ ۲۵۳

جدی قوانین و عرف قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی» تعریف کرده است. همچنین مقررات موجود در اساسنامه‌های دادگاه بین‌المللی کیفری ویژه یوگسلاوی، دادگاه بین‌المللی کیفری ویژه رواندا، دادگاه ویژه سیرالئون و همچنین مقررات شماره ۲۰۰۰/۱۵ اداره انتقالی سازمان ملل متحد در تیمور شرقی^{۱۱۵} درخصوص جرم‌انگاری و تعیین مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض فاحش مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه، قابل اجرا می‌باشند.^{۱۱۶}

شعبه تجدید نظر دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در پرونده «دلایچ»،^{۱۱۷} در تفسیر ماده ۳ اساسنامه این دادگاه، راجع به نقض قوانین و عرف جنگ اعلام کرد: «عبارت «قوانین و عرف جنگ» شامل کلیه قوانین و عرف جنگ، به‌علاوه مقررات ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو می‌باشد». لازم به ذکر است که کاربرد صفت «فاحش»^{۱۱۸} در رابطه با «نقض»^{۱۱۹} را می‌توان در دستورالعمل‌های نظامی و قوانین برخی دولت‌ها نیز یافت.^{۱۲۰}

همچنین رویه‌ای نیز وجود دارد که بر اساس آن، صفت «فاحش» شرط احراز نقض مقررات محسوب نشده و نقض تمامی قوانین و عرف‌های جنگی (بدون قائل شدن به این که این نقض‌ها، فاحش بوده یا عادی) به‌عنوان جنایات جنگی تلقی شده‌اند.^{۱۲۱} در همین رابطه دستورالعمل‌های نظامی و قوانین وضع شده بسیاری از دولت‌ها نیز «جدی بودن» موارد نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه را برای اطلاق عنوان جنایت جنگی لازم نمی‌دانند.^{۱۲۲}

حق دولت‌ها برای اعطای صلاحیت جهانی به دادگاه‌های داخلی خود در مورد جنایات جنگی به‌طور گسترده‌ای در قوانین داخلی مورد شناسایی واقع شده است.^{۱۲۳} همچنین در تعدادی قضایای ناظر بر مظنونین به ارتکاب جنایات جنگی، موضوع توسط دادگاه‌های داخلی بر مبنای صلاحیت جهانی مورد رسیدگی قرار گرفته است.^{۱۲۴} در دهه گذشته، برخی افراد از سوی دادگاه‌های داخلی به دلیل ارتکاب جنایات جنگی در

115. UNTAET.

۱۱۶. ماده ۱ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، ماده ۱ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا، بند یک از ماده ۱ اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون، بند ۱ ماده ۶ مقررات اداره انتقالی سازمان ملل متحد در تیمور شرقی، شماره ۲۰۰۰/۱۵.

117. ICTY, *Delalic and Others*, Appeals Chamber, Judgment of 20 February 2001, Case No. IT-96-21-A.

118. grave

119. breach

۱۲۰. ر.ک: دستورالعمل‌های نظامی کلمبیا، کرواسی، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا.

۱۲۱. گزارش کمیسیون در مورد مسئولیت‌های تعیین شده پس از جنگ جهانی اول، بند ۲ ماده ۶ منشور دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ، بند ۲ ماده ۵ دادگاه نظامی بین‌المللی توکیو، ماده ۲ اساسنامه قانون شماره ۱۰.

۱۲۲. ر.ک: دستورالعمل‌های نظامی استرالیا، کانادا، هلند، نیوزلند، سوئیس، انگلستان و ایالات متحده آمریکا.

۱۲۳. ر.ک: قانون استرالیا، جمهوری آذربایجان، بنگلادش، بلاروس، بلژیک، کانادا، فرانسه، آلمان، سوئد.

۱۲۴. پرونده Polyukhovich، دادگاه عالی استرالیا؛ پرونده Finta دیوان عالی کانادا؛ پرونده Ahlbrecht دادگاه ویژه استیناف؛ هلند.

❖ ۲۵۴ مجله حقوقی بین‌المللی / شماره چهل و چهار / بهار - تابستان ۱۳۹۰

درگیری‌های غیر بین‌المللی، بر مبنای صلاحیت جهانی محاکمه شدند.^{۱۲۵} حق دولت‌ها در اعطای صلاحیت جهانی به دادگاه‌های داخلی در مورد جنایات جنگی به واسطه عرف مبتنی بر معاهدات نیز مورد تأیید قرار گرفته است. در شق «الف» بند ۲ ماده ۱۶ پروتکل دوم کنوانسیون لاهه راجع به حمایت از اموال فرهنگی آمده است که «مقررات پروتکل، تأثیری بر اعمال صلاحیت جهانی بر طبق حقوق بین‌الملل عرفی نخواهد داشت». تفسیری که از ماده ۶ کنوانسیون ۱۹۴۸ نسل‌کشی (راجع به صلاحیت سرزمینی) ارائه شده، گویای این موضوع است که این نوع صلاحیت، مانع از اعمال اصل صلاحیت جهانی نسبت به موضوع نسل‌کشی نخواهد بود.^{۱۲۶}

در حالی که اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، دولت‌ها را ملزم به پذیرش صلاحیت جهانی نسبت به فهرست جرائم جنگی خود نکرده است، برخی دولت‌ها فهرست اساسنامه را در زمره موارد جنایات جنگی خود ذکر کرده و به دادگاه‌های خود، صلاحیت لازم برای محاکمه اشخاص مظنون به ارتکاب جنایات جنگی را بر مبنای اعمال صلاحیت جهانی اعطا کرده‌اند.^{۱۲۷}

نتیجه‌گیری

حقوق بین‌الملل کیفری شامل تعهدات و مقرراتی است که هم «دولت‌ها» و هم «افراد» متعهد به رعایت و اجرای آنها هستند. الزامات دولت‌ها در این حوزه از حقوق بین‌الملل عام، شامل تعهدات حاکمیتی از قبیل تعهد به همکاری، تعهد به قانون‌گذاری، تعهد به ترک برخی از اعمال ممنوعه و تعهد به ممانعت و برخورد با ناقضین مقررات کیفری بین‌المللی است.

هر چند قاعده عرفی مصونیت بین‌المللی به‌عنوان مانع اصلی هر گونه شناسایی مسئولیت کیفری دولت‌ها در حقوق بین‌الملل مطرح است، اختصاص برخی تعهدات بین‌المللی به دولت‌ها در حقوق بین‌الملل کیفری، بدان جهت که قابلیت اجرایی آنها فراتر از ظرفیت افراد است، در حوزه مسئولیت دولت‌ها قرار گرفته و این مسئولیت‌ها در اسناد بین‌المللی متعددی به صراحت عنوان شده‌اند.

اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در پاراگراف ۶ مقدمه مقرر می‌دارد: «وظیفه هر یک از دولت‌ها است که صلاحیت کیفری خود را بر کسانی که مسئول ارتکاب جنایات بین‌المللی هستند، اعمال کنند».

تعهد به همکاری دولت‌ها با دیوان‌های بین‌المللی کیفری جهت دستیابی به عدالت کیفری که در فصل ۹ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و مواد ۲۸ و ۲۹ اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری ویژه یوگسلاوی و

۱۲۵. رک: بلژیک، دادگاه استیناف؛ پرونده The Four from Butare؛ فرانسه، دادگاه تجدید نظر؛ پرونده Munyeshyaka.

۱۲۶. تفسیر ارائه شده از سوی دادگاه منطقه‌ای عالی دوسلدروف آلمان در پرونده Jorgic و دادگاه بخش بیت‌المقدس در پرونده Eichmann.

۱۲۷. رک: قانون بلژیک، کانادا، آلمان، نیوزلند، انگلستان.

روآندا ذکر شده است نیز یک تعهد بین‌المللی ویژه دولت‌ها بوده و افراد در این تعهدات، هیچ‌گونه مسئولیت بین‌المللی ندارند.

همچنین مسئولیت‌های منبعث از تعهد به همکاری دولت‌ها با یکدیگر براساس موافقتنامه‌های بین‌الدولی (مانند موافقت‌نامه‌های استرداد مجرمین، معاضدت قضایی و اجرای احکام)، همگی ناظر بر مسئولیت دولت‌ها بوده و افراد در این موضوعات، تعهد و مسئولیتی ندارند. این نوع مسئولیت‌ها در حقوق بین‌الملل کیفری در حالی است که مقررات حقوق بین‌الملل کیفری مبتنی بر اصل مسئولیت کیفری فردی بوده و قواعد این حوزه از حقوق بین‌الملل بر خلاف حقوق بین‌الملل عام، افراد را در برابر مقررات خود دارای تعهد و مسئولیت می‌شناسد. بدین ترتیب در حقوق بین‌الملل کیفری، دو نوع مسئولیت بین‌المللی از همدیگر قابل تفکیک است. مسئولیت نخست، که از آن به عنوان «مسئولیت کیفری فردی» نام برده می‌شود، مربوط به افراد و مرتکبین هر یک از جنایات شناسایی شده در حقوق بین‌الملل بوده و مصونیت سیاسی و دیپلماتیک افراد نیز رافع این مسئولیت نخواهد بود.

دومین نوع مسئولیت، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها» است. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل کیفری در نتیجه عدم ایفای تعهدات موجود در مقررات این شاخه از حقوق مطرح می‌شود. بنابراین با توجه به وجود برخی مسئولیت‌های ویژه برای دولت‌ها در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری، لازم است در بیان مسئولیت‌های موجود در حقوق بین‌الملل کیفری، قائل به «گوناگونی مسئولیت‌ها» بود و علاوه بر «مسئولیت کیفری فردی»، برخی «مسئولیت‌های ویژه بین‌المللی» را نیز در این حوزه به رسمیت شناخت به طوری که مسئولیت‌های ویژه‌ای نظیر «مسئولیت همکاری»، «مسئولیت تضمین رعایت مقررات بشردوستانه» و «مسئولیت مشدد» از جمله مسئولیت‌های دولت‌ها در رعایت مقررات موجود در حقوق بین‌الملل کیفری هستند.

فهرست منابع

الف) فارسی

- ۱- جونز، و.ت، *خداوندان اندیشه سیاسی*، ترجمه: علی رامین، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
 - ۲- دلخوش، علیرضا، «قضیه دارفور از منظر حقوق بشردوستانه»، *فصلنامه مطالعات افریقا*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، بهار و تابستان ۱۳۸۷.
 - ۳- دوپویی، پی یر ماری، «ملاحظات پیرامون جرم بین‌المللی دولت»، ترجمه و تلخیص: علی حسین نجفی ابرندآبادی، *مجله حقوقی*، ش ۱۳، پاییز - زمستان ۱۳۶۹.
 - ۳- زمانی، قاسم و هاله حسینی اکبرنژاد، «اصل صلاحیت جهانی در آینه دیوان کیفری بین‌المللی»، *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، دانشکده علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
 - ۴- صابری، هنگامه (به نقل از تقریرات دکتر جمشید ممتاز)، *ضمانت اجرا در حقوق بشردوستانه*، تعهد دولت‌ها در ترغیب یکدیگر به رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۸.
 - ۵- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، *حقوق جنگ*، چاپ دوم انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۰.
 - ۶- فرانسیون، ژاک، «جنايات جنگی و جنايات علیه بشریت»، ترجمه و تلخیص: محمدعلی اردبیلی، *مجله حقوقی*، ش ۷، زمستان ۱۳۶۵.
 - ۷- کاسسه، آنتونیو، *حقوق بین‌الملل*، ترجمه: حسین شریفی طرازکوهی، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۵.
 - ۸- کاسسه، آنتونیو، *حقوق کیفری بین‌المللی*، ترجمه: حسین پیران، اردشیر امیر ارجمند، زهرا موسوی، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷.
 - ۹- کیتی شیاپزری، کریانگ ساک، *حقوق بین‌المللی کیفری*، ترجمه: بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
 - ۱۰- والاس، ربکا، *حقوق بین‌الملل*، ترجمه و تحقیق: قاسم زمانی و مهناز بهراملو، ویرایش دوم، چاپ شهر دانش، ۱۳۸۷.
 - ۱۱- هرمیداس باوند، داوود، «حقوق بشر و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها»، *مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی بررسی مسائل حقوق بین‌الملل بشر*، دانشگاه علامه طباطبائی با همکاری دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱.
 - ۱۲- هنکرتز ژان ماری و دوسوالدیک لوئیس، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی*، ترجمه: دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، جلد اول، چاپ انتشارات مجد، ۱۳۸۸.
- جنبه‌های گوناگون «مسئولیت» در حقوق بین‌الملل کیفری ❖ ۲۵۷

ب) انگلیسی

1- Bassiouni, M. Cherif, "The Sources and Content of International Criminal Law: A Theoretical Framework" in M. Cherif Basiouni (ed.), *International Criminal Law*, Vol. I, 2nd edn. New York, 1999.

2- D. Schindler and J. Toman, *The Laws of Armed Conflicts*, Martinus Nijhoff Publisher, 1988, Instructions for the Government of Armies of the United States in the Field (Lieber Code), 24 April 1863, date of adoption 24.04.1863.

3- Georg Schwarzenberger, "The Judgment of Nuremberg", 21 *Tulane Law Review* 194, 1947.

4- J. Spiropoulos, Special Rapporteur, "Report of ILC on Draft Code of Offences against the Peace and Security of Mankind", in: *Yearbook of the International Law Commission*, Document A/CN.4/22, Volume 11, 1950.

5- J. L. Briery, "Do We Need an International Criminal Court?", 8 *BYIL* (1923).

6- Jean S. Pictet (ed.), *Commentary on the Third Geneva Convention*, ICRC. Geneva -1960.

7- Friedman, L, *The Law of War – A Documentary History*, vol. 2. New York, 1972.

8- Yves Sandoz, Christophe Swinarski, Bruno Zimmermann (eds.), *Commentary on the Additional Protocols*, ICRC. Geneva, 1987.

ج) اسناد بین المللی

9- ICRC, *The ICRC Appeals to Governments: It's Work Halted in Iran*, Press Release No. 1498, 23 November 1984.

10- Annual Report of International Committee of the Red Cross, No. 298, January-February 1994.

11- Conference for Security and Co-operation in Europe, Towards a Genuine Partnership in New era, Summit, Budapest, 5-6 December 1994, Budapest Document, 1994.

12- Conference of High Contracting Parties to the Fourth Geneva Convention:

Declaration, Geneva, 5 December 2001.

13- Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field. Geneva, 12 August 1949.

14- Convention (II) for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea. Geneva, 12 August 1949.

15- Convention (III) relative to the Treatment of Prisoners of War. Geneva, 12 August 1949.

16- Convention (IV) relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War. Geneva, 12 August 1949.

17- Council of European Parliamentary Assembly Resolution No. 881/2002, imposing certain specific restrictive measures directed against certain persons and entities associated with Osama bin Laden, the Al-Qaida network and the Taliban, 27 May 2002.

18- Council of European Parliamentary Assembly, Resolution No. 823 (1984), On the Activities of the International Committee of the Red Cross (ICRC);

19- Draft Articles on State Responsibility for Internationally Wrongful Act (1980), A/CN.4/318/Add.5-7, Yearbook of the International Law Commission: 1980 Document: vol. II(1).

20- Draft Articles on State Responsibility for Internationally Wrongful Act, Yearbook of the International Law Commission, vol. II (Part Two), 2001.

21- Draft Code of Offences against the Peace and Security of Mankind., Reported by: J. Spiropoulos, Special Rapporteur of ILC, *Extract from the Yearbook of the ILC*, Vol. II, 1950.

22- Draft Code of Offences against Peace and Security of Mankind (1954), *Yearbook of the International Law Commission*, vol. II, 1954.

23- E/CN.4/2002/79, (Fifty-eighth Session of the Commission on Human Rights 2002), Civil and Political Rights, Including the Questions of: Disappearances and Summary Executions, Question of enforced or involuntary disappearances, Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances Executive summary, 18 January 2002.

- 24- Final declaration of the International Conference for the Protection of War Victims, 01-09-1993 , Geneva, August 30 - September 1, 1993.
- 25- G.A.Res, 2677(XXV), Respect for human rights in armed conflicts, 9/Dec/1970.
- 26- G.A.Res, 2840(XXVI), Question of the punishment of war criminals and of persons who have committed crimes against humanity, 18/Dec/1971.
- 27- G.A.Res, 2853(XXVI), Respect for human rights in armed conflicts, 20 Dec. 1971.
- 28- G.A.Res, 3(I), Extradition and punishment of war criminals, 1946.
- 29- G.A.Res, 2583(XXIV), Question of the punishment of war criminals and of persons who have committed crimes against humanity, 15/Dec/1969.
- 30- G.A.Res, 3074(XXVIII), Principles of international co-operation in the detection, arrest, extradition and punishment of persons guilty of war crimes and crimes against humanity 3/Dec/1973.
- 31- G.A.Res, 32/91C, Report of the Special Committee to Investigate Israeli Practices Affecting the Human Rights of the Occupied Territories, 13 Dec. 1977.
- 32- G.A.Res, 37/123, 16 Dec. 1982, The situation in the Middle East.
- 33- G.A.Res, 43/21, 3 Nov. 1988, The uprising (Intifadah) of the Palestinian people.
- 34- G.A.Res, 51/77, 12 Dec. 1996, The rights of the child.
- 35- G.A.Res, 52/107, 12 Dec. 1997, Children's rights (I-VIII).
- 36- G.A.Res, 52/192, 18 Dec. 1997, Follow-up to the UN Conference on Human Settlements (Habitat II) and the future role of the Commission on Human Settlements.
- 37- International Conference of the Red Cross, VI of the 24th, (Manila, 1981).
- 38- Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 1125 U.N.T.S. 3, entered into force Dec/ 7/ 1978.
- 39- Second Protocol to the Hague Convention of 1954 for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict 1999, Art. 31.

- 40- U.N. Doc. A/CONF. 32/41 at 3 (1968), International Conference for Human Rights, Tehran, 23 April - 13 May 1968, Res. XXIII.
- 41- U.N, Doc. E/CN.4/1995/77 (1995); Situation of human rights in the Sudan;
- 42- UNHCHR, Res, 1995/91, Situation of human rights in Rwanda.
- 43- UN, S/Res/1199, on the situation in Kosovo (FRY) 23 September 1998;
- 44- UN, S/Res, 822, 30/Aprl/1993 (Azerbaijan-Armenia).
- 45- UN, S/Res, 853, 29/July/1993 (Azerbaijan-Armenia).
- 46- UN, S/Res, 978 (1995), 27 February 1995, (Issue of Rwanda).
- 47- UN, S/Res.808 (1993), Adopted by the Security Council at its 3175th meeting.
- 48- UN, S/Res/1193, on the situation in Afghanistan, 28 August 1998.
- 49- UNHCHR, Res, 2000/58, Situation in the Republic of Chechnya of the Russian Federation - 25 April 2000.
- 50- UNHCHR, Res, 1995/77, Situation of human rights in the Sudan.
- 51- UNHCHR, Res, 1996/76, Situation of human rights in Rwanda.
- 52- International Conference of the Red Cross, 25th International Conference, (Geneva 1986).

د پرونده‌ها

- 53- ICJ, *Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide* (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), 26/Feb/2007.
- 54- ICJ, *Application for Revision of the Judgment of 11 July 1996 In the case concerning Application of the convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide* (Bosnia and Herzegovina v. Yugoslavia), Preliminary objections (Yugoslavia v. Bosnia and Herzegovina), Application Instituting proceedings filed in the Registry of the Court on 24 April 2001.
- 55- ICJ, *Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide* (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), Press Release, 2007/8, (26/Feb/2007).

56- ICJ, *Nicaragua v. United States of America*, Judgment of 27 June 1986, Judgment of 27 June 1986;

57- ICJ, *Armed Activities on the Territory of the Congo* (Democratic Republic of the Congo v. Rwanda) Request for the Indication of Provisional Measures (Order of 10 July 2002).

58- ICJ, *The Case of Barcelona Traction Light and Power Company*, 1970, Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v. Spain), Second Phase, International Court of Justice (ICJ), 5 February 1970.

59- ICTY, *Furundzija*, Trial Chamber II, Judgment of 10 December 1998, Case No. IT-95-17/1-T.

60- ICTY, *Delalic and Others*, Appeals Chamber, Judgment of 20 February 2001, Case No. IT-96-21-A.

61- ICTY, *Kupreskic and Others*, Trial Chamber, 14/Jan/2000, Case No. IT-95-16 T;

62- ICTY, *Blaskic*, Judgment, 29/oct/1997.

63- ICTY, *Prosecutor v. Dusko Tadic*, Case No. IT-94-1-A, ICTY App. Ch., 5 July 1999.

64- ICTY, *Tadic*, The Judgment of The Appeals Chamber, The Hague, 15 July 1999, TH/ P.I.S./ 419-e.

65- US Military Tribunal at Nuremberg, *List and Others*, (Hostages Trial), 19 Feb. 1948 (1953).

